

پیام سندیکا

پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۱۴۱ / سال چهاردهم / اسفند ۱۴۰۳ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران



اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد



ماهنامه نشریه پیام سندیکا، پیام آور سندیکاهای کارگری ایران شماره ۱۴۱ / سال چهاردهم / اسفند ۱۴۰۳ در ایران بصورت چاپی و الکترونیکی منتشر شد.

در این شماره می خوانید:

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری ص ۱

تزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور ص ۱۱

گرم شدن یکشنبه های اعتراضی در سرمای زمستان! ص ۱۹

مصاحبه مازیار کیلانی نژاد با خبرگزاری ایلنا ص ۲۱

مصاحبه هادی افشار از باز نشستگان متحد تهرانی با خبرگزاری ایلنا ص ۲۳

مصاحبه محمدرضا قربانی از باز نشستگان متحد تهرانی با خبرگزاری ایلنا ص ۲۵

مصاحبه سعید علیراده از باز نشستگان متحد تهرانی با خبرگزاری ایلنا ص ۲۸

مصاحبه خسرو رنجبر از باز نشستگان متحد تهرانی با خبرگزاری ایلنا ص ۳۰

مصاحبه مسئول سندیکای کارگران فلزکار مکانیک با خبرگزاری ایلنا ص ۳۳

چرا با بیمه های تکمیلی تمحیلی مخالفیم! ص ۳۵

باز نشستگان ضایعات جمع کن شده اند! ص ۳۶

افشاشگری وزیرکار با!!!! ص ۳۷

امپراتوری دروغ: «دولت پول ندارد» ص ۳۸

۸۰۰ میلیون حق جلسه! ص ۳۹

کارفرمایان، نور چشم همه دولت ها! ص ۴۰

عیدی کارگران و عیدی هیات مدیره ها! ص ۴۱

ما فایده همه کاره شرکت نفت!! ص ۴۲

بیا بیرون رفیق! (شعر) ص ۴۳

دست نوشته یک جراح چشم پزشکی ص ۴۴

هشت مارس روز تجلیل از زنان موفق نیست! ص ۴۷

فر دا هشت مارس است! ص ۴۹

به مناسبت روز جهانی زن، ۸ مارس! (شعر) ص ۵۰

گل آندام و هشت مارس! ص ۵۱

ما خیلی بیشتر از آنچه که فکر می کنید می دانیم! ص ۵۴

سرمایه داری همیشه به فکر ایمان!!! مردم است! ص ۵۶

اگر کارفرما، کارگر را بیمه نکرده باشد، کارگر چه کند? ص ۵۷

دیگر چه کنیم? ص ۵۸

تعهد انقلابی! ص ۵۹

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران معتقد است: ص ۶۰



پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/ چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه های

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

هیات تحریریه سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران برای اطلاع از دیدگاههای

ما می توانید به سایت دو زبانه سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com

و کانال رسمی سندیکا در تلگرام به آدرس «کانال رسمی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

مراجعه کنید.

۸ مارس روز جهانی زن، روز «نه به اعدام و فساد»!



هر ساله روز جهانی زن در سراسر دنیا با حضور پرشکوه زنان مبارز گرامی داشته می شود. متأسفانه در میهن بلا زده ما این روز با غم و اندوهی فراوان گرامی داشته می شود.

با سیاست های ضد مردمی نئولیبرالیستی حاکمیت، که هر روز از سرعت بیشتری برخوردار می شود، جامعه به سوی فقر و فساد بیشتر پیش می رود. حاکمان برای کنترل نارضایتی بوجود آمده از این سیاست ها، حکم اعدام را برای بازدارندگی انتخاب کرده آند.

امروز ۳ زن فعال اجتماعی پخشان عزیزی، شریفه محمدی، وریشه مرادی زیر تبغ حکم اعدام هستند. از سوی دیگر جوانانی که در این حکومت بالیده آمد و به دلیل سیاست های غلط دچار ناهنجاری های اخلاقی موجود در جامعه گشته اند و یا دادخواهان جوانی که مافیا برای زهر چشم گرفتن از دیگر مطالبه گران برایشان حکم اعدام صادر می کنند.

فساد، فقر، بیکاری، تبعیض اجتماعی و جنسیتی، نابرابری و بی عدالتی، جوانان کشور را به اعتراض واداشته، آیا حکم آنان اعدام است؟؟

دستمزدهای ناچیز، تحقیر فرودستان توسط آقازاده‌ها و خانم زاده‌ها، سنت های غلط مردسالارانه که به خودکشی، خودسوزی و قتل زنان منجر می شود از کجا نشأت می گیرد؟؟

افزایش زنان سرپرست خانوار، کودکان کار، روسپیگری، استفاده از مواد مخدر، فروش اعضا، دزدی و قتل با تمام کوششهای ۴۶ ساله برای زدودن این ناهنجاری ها از تربیون های رسمی با بودجه های نجومی، افزایش یافته است.

هم اکنون زنان کارگر، خبرنگار، وکیل وووو در زندان چه می کنند؟؟ و چه کرده اند که مستوجب چنین مجازاتی هستند؟؟

نمی توان ظلم را دید، ستم را حس کرد و نخرشید. برای جامعه‌ای بدون ظلم و تبعیض و نابرابری باید کوشید. به قول مترجم توانای سرزمینمان محمود اعتمادزاده، به آذین: «بردبار باشیم و امیدوار. حق را یاری کنیم، اگرچه در گذارش استخوانی از ما بشکند»

طبقه کارگر هیچگاه دست از حمایت فرزندانش نخواهد کشید و آنان را در این مسیر انسانی یاری خواهد کرد.

اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد

دروود بر فرزندان دربند

زنده باد رفاه، آبادانی و عدالت اجتماعی

گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران ۱۵ اسفند

* هشدار به کارگران پروژه ای!! *

با توجه به اینکه به پایان سال نزدیک می شویم از همه دوستان کارگر توقع داریم از هم اکنون به فکر دریافت معوقات خود باشند و تا ۲۰ اسفند تسویه حساب کنند و اجازه ندهند پیمانکاران با زبان بازی دستمزد هایشان را حواله سال بعد کنند.

دوستان کارگری هم که می خواهند قرارداد بلند مدت بنویسند دقت کنند برای آنکه قدرت خریدشان را از دست ندهند و سرشان کلاه نرود ابتدا دستمزدی را که امسال می گرفتند را تقسیم بر دلار ۵۰ هزار تومان کنند، رقم بدست آمده را ضربدر دلار ۹۰ هزار تومان کنند تا رقم بدست آمده مبنای بستن قرار داد شود. بطور مثال اگر در اوایل سال ۵۰ میلیون حقوق می گرفتید آن را تقسیم به دلار ۵۰ هزار تومانی کنید که می شود ۱۰۰۰ دلار. برای بستن قرارداد آخر سال ۱۰۰۰ دلار را ضربدر دلار ۹۲ هزار تومانی کنید می شود ۹۲ میلیون تومان مبلغ دستمزدی که آخر سال باید برای قرارداد ذکر کنید. تا قدرت خرید امسال تان خدشه دار نشود. در قرارداد ذکر کنید که هر رقمی که برای افزایش حقوق از سوی دولت برای سال دیگر اعلام شد به این دستمزد باید اضافه شود.

همچنین کارگرانی که با دستمزدهای عقب افتاده روبرو هستند سندیکای کارگری را در جریان بگذارند تا پیمانکار خلافکار را معرفی و تحریم کارگری کنیم.

در ضمن وضعیت بیمه های خود را بررسی کنید که اگر پیمانکاری لیست بیمه تان را رد نکرده قبل از تسویه حساب مجبور به رد کردن لیست بیمه و پرداختش کنید. مواظب باشید شما را کارگر ساده لیست رد نکند.

همه پیمانکاران موظف هستند کلیه مقررات وزارت کار از جمله پرداخت ۲ ماه عیدی و پرداخت سنوات را رعایت کنند.

اسامی پیمانکارانی که لیست بیمه شما را کارگر ساده رد می کنند را به سندیکای کارگری اعلام کنید.

هر کارگری که در این موارد سوالی دارد می تواند با سندیکای کارگری تماس بگیرد.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها ۱۳ اسفند ۱۴۰۳

کارگران ارکان ثالث همچنان سرگردان!



پس از رفت و آمدهای نمایشی مدیران و تلاش های بی ثمر نمایندگان کارگران ارکان ثالث که قدرت چانه زنی و به کرسی نشاندن خواسته‌های کارگران را ندارند، ابلاغیه ای سخیف و پر حاشیه از سوی شرکت های زیرمجموعه وزارت نفت برای کارگران ارکان ثالث منتشر شد که در آن حق جذب در محاسبه مزد لحاظ نشد و محاسبه طلب مرخصی بر اساس مزد به جای حق السعی، ۲ ایراد اساسی در اجراست.

کارگران که از این ابلاغیه خشمگین هستند نه تنها دکتر کندرانی و مهندس قائم پناه چهره پنهان کرده و دیگر در دسترس نیستند بلکه باعث سردرگمی بیشتر نمایندگان کارگران شده اند و این بخشی از بازی هنرمندانه مدیران با کارگران است.

به هر حال چنانچه کارگران این ابلاغیه را بپذیرند حق جذب در مزد محاسبه نخواهد شد و میزان افزایش حقوق برای کارگران روی سکو بین ۷ تا ۱۰ میلیون و برای نفرات روی خشکی بین ۲ الی ۳ میلیون تومان خواهد بود و نفرات پیمانکاری مستقر در تهران کاهش دستمزدی بین ۲ تا ۳ میلیونی را شاهد خواهند بود. همچنین بک پی نیز براساس افزایش و یا کاهش حقوق ها محاسبه خواهد

شد.

این شیوه رو در رو قرار دادن کارگران از شیوه های همیشگی مدیران شرکت نفت و پیمانکارانش است. تا توان نمایندگان کارگران را گرفته و کارگران را به جان هم بیاندازند تا به طور خودکار ابلاغیه در هاله ای از ابهام بماند و در هر حالتی چه اجرایی شدن ابلاغیه و چه اجرا نشدنش، کارگران متضرر اصلی باقی بمانند.

وقتی اصل خواسته های که: «حذف پیمانکار و طبقه بندی مشاغل» است کنار گذاشته می شود حاصلی جز این نیست. در صورتی که اگر کارگران بطور مستقیم در شرکت نفت استخدام شوند تمامی این موارد برای کارگران لحاظ خواهد شد و این همه چانه زنی احتیاج نیست و در پی اش طبقه بندی مشاغل هم درست اجرا شود افزایش دستمزد به صورت قانونی و بدون تبعیض برای همه کارگران لحاظ خواهد شد.

دوستان کارگر باید هشیار باشند و اگر نماینده ای توان اجرای خواسته های اصلی شما را که همانا حذف پیمانکاری و اجرای طبقه بندی مشاغل را ندارد، باید از نمایندگی خلع شود تا دیگری که توان این کار را دارد خواسته ها را پی گرفته در انجامش بکوشد.

خواست اصلی همه کارگران ایران از صنعت نفت و گاز و پتروشیمی ها تا ذوب آهن، فولاد، خودروسازی ها، نیشکر هفت تپه و شرکت واحد و نساجی و...
۱- حذف شرکت های پیمانکاری ۲- اجرای طبقه بندی مشاغل، است.
در اجرایش متحد شویم و بکوشیم.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها

۸ اسفند ۱۴۰۳

هیولای جنگ بر فراز خاورمیانه!

به رفقای اتحادیه‌های کارگری عراق!

با درود و احترام، با توجه به مصائب ۸ ساله جنگ بین کشورهايمان و سپس حمله داعش به کشور شما می‌توانیم ادعا کنیم که زخم جنگ را با گوشت و پوستمان تجربه کرده ایم و می‌دانیم جنگ چه با جامعه و مردم می‌کند. با آغاز حمله به غزه و سیاست‌های توسعه طلبانه و عملکرد غیرانسانی و ضد حقوق بشر و ضد قوانین بین‌المللی دولت نتانیاهو و سپس تجاوز به سوریه و نابودی زیرساخت‌های این کشور، وضعیت خاورمیانه هر روز بحرانی‌تر می‌شود و این با روی کار آمدن دولت پرزیدنت ترامپ و اظهارات نابخردانه اش بحرانی‌تر خواهد شد. او ایران را تهدید به بمباران در صورت عمل نکردن به دستوراتش و اخراج مردم فلسطین از غزه نمود که تاکنون بازتابی معکوس در جهان پیدا کرده است.

برای مقابله با این سیاست‌های خطرناک منطقه‌ای که با زیرپا نهادن همه اصول انسانی و بین‌المللی از سوی اسرائیل در مورد مردم غزه، لبنان، سوریه شاهد بودیم خواهان مبارزه‌ای بی‌امان برای دستیابی به صلح در خاورمیانه:

۱ - عدم تحمیل جنگ و بمباران به ایران ۲ - علیه اخراج مردم غزه از سرزمین مادری ۳ - پایان دادن به شرایط ترور و ربودن فعالان اجتماعی، ترقی خواه، سندیکالیست‌های سوریه، فلسطین ۴ - فعالیت آزاد سندیکایی و آزادی همه سندیکالیست‌های زندانی ایرانی هستیم.

صلح برای مردم عراق مانند صلح برای ایران، سوریه و فلسطین است لذا خواستار همبستگی عملی شما رفقای عراقی هستیم. صلح، نان همه زحمتکشان جهان است. بدون صلح مبارزات کارگران کم‌رنگ و کم‌اثر تر خواهد بود. در جنگ فرزندان کارگران کشته و خانواده‌های کارگری داغدار خواهند شد.

ما خواهان صلح، دستمزد مناسب و زندگی انسانی هستیم. همبستگی ما بازدارنده سیاست‌های جنگ طلبانه خواهد بود.

نه به جنگ، زنده باد صلح

مازیار گیلانی نژاد مسوول سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

۷ اسفند ۱۴۰۳ مطابق با ۲۸ فوریه ۲۰۲۵

شاخص‌های تعیین حداقل دستمزد واقعی!

در چند روز گذشته کمیته تعیین دستمزد رقم ۲۳ میلیونی سبد معیشت را اعلام کرده و کارزاری هم از سوی نماینده کارگران ارکان ثالث برای افزایش ۷۰ درصدی دستمزد راه اندازی گردیده است. طبق گفته اقتصاددانانی چون حسین راغفر و فرشاد مومنی خط فقر بیش از ۵۰ میلیون تومان می باشد. اگر گفته این اقتصاددانان را ملاک بگیریم بی تردید نباید حداقل دستمزدها کمتر از ۵۰ میلیون تومان تصویب بشود که هیچگاه مافیای لانه کرده در دولت آن را نخواهد پذیرفت. از سوی دیگر کارزار افزایش ۷۰ درصدی دستمزد هم به ۱۸ میلیون تومان راضی است. اما آنچه در جامعه در جریان است حقیقتی دیگر است.

طبق آمار اعلامی از سوی خرده فروشی ها و مشاهده هر روزه مردم فقط حبوبات ۱۰۰ درصد، لبنیات ۷۰ درصد، میوه ۶۰ درصد، برنج ۱۰۰ درصد، دارو ۲۰۰ درصد، گوشت ۱۰۰ درصد رشد قیمت فقط طی ۴ ماهه گذشته اند که این فقط به امسال محدود می شود. یعنی اگر قرار است، طبق ماده ۴۱ قانون کار دستمزدی مصوب شود باید به جز تورم ۱۰۰ درصدی امسال بلکه تورم ۱۰۰ درصدی سال بعد هم در نظر گرفته شود چرا که طبق آمار بانک مرکزی و آقای همتی وزیر اقتصاد، قیمت دلار تا آخر تابستان بین ۱۲۰ تا ۱۵۰ هزار تومان خواهد رسید.

با این شیوه محاسبه دستمزد حداقلی کارگران، دولت به عنوان اصلی ترین مقصر در افزایش عمدی قیمت ها به همراه کارفرمایان در دامن زدن به گرانی ها باید توان دستورات ضدکارگری و ضدمردمی خود را پذیرفته، حداقل دستمزد ۳۳ میلیون تومانی را اعلام کند.

در روش دیگر، اگر دلار را ملاک خود قرار دهیم، با در نظر گرفتن قیمت دلار در فروردین امسال با قیمت ۴۵ هزار تومان و رشد قیمت دلار در سال آینده تا ۱۵۰ هزار تومان، حداقل دستمزد کارگران باید به رقمی در حدود ۳۵ میلیون تومان تصویب شود که همچنان ۵۰ درصد زیر خط فقر است.

با توجه به برآیند نیروها در شورای عالی تعیین حداقل دستمزد و افرادی در گروه کارگری همچون اسعد صالحی و محسن باقری که در حوزه کارگری به هیچوجه عملکرد مثبتی نداشته اند و افراد دیگری که فقط چشمداشت به مبلغ حق جلسات بسته اند، حداقل دستمزد حدود ۱۶ میلیون مصوب خواهد شد.

مافیای سرمایه داری با همدستی دولت تا فشار کارگران نباشد، همواره دستمزدی ۴ برابر زیر خط فقر را به کارگران تحمیل خواهند کرد.

محدودیت شدید علیه سندیکا‌های کارگری و اعمال سانسور علیه تبلیغات کارگری برای اعلام آزاد نظرات خود، برآیند نیروهای را به زیان مزدگیران رقم زده است. مزدگیران چاره ای جز تغییر شرایط در جامعه کنونی را ندارند.

توازن نیروها را به نفع همه مزدگیران با ایجاد سندیکا‌های کارگری و افزایش عددی و کیفی در مبارزه و پیوستن گردان های زحمتکششان همچون پرستاران، آموزگاران، کارگران، مهندسین و هدف مبارزات خود قرار دهیم.

راه ما راه حق، راه بهروزی ست

اتحاد اتحاد رمز پیروزی است

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

۲ اسفند ۱۴۰۳



سایه جنگ بر فراز خاورمیانه!

با اظهارات بی خردانه رییس‌جمهور آمریکا در مورد جهنمی کردن شرایط غزه و بمباران ایران در صورت ندادن پاسخ مثبت به زورگویی‌های ضد قوانین بین‌المللی او، هیولای جنگ بر سر خاورمیانه و ایران به پرواز در آمده است. اظهارات ترامپ نه تنها خاورمیانه را تهدید کرده، بلکه مکزیک، کانادا، گرینلند، پاناما را نیز شامل شده و بی تردید می‌تواند دیگر کشورها را نیز در بر گیرد. بمباران وحشیانه غزه و کشتار ۵۰ هزار انسان و حتا شلیک مستقیم به خبرنگاران، امدادگران، سربازان حافظ صلح، نابودی بیمارستان‌ها و مدارس و سپس تجاوز نظامی به کشور های لبنان و سوریه و تسلط نیروهای طرفدار سرمایه داری بر سیاستگذاری در کشورهای منطقه، و خارج کردن همه نیروهای مردمی از صحنه مبارزه برای آزادی و در تقابل با حاکم شدن شرایط انسانی و به ویژه جلوگیری از فعالیت رهبران سندیکایی در این کشور ها واقعیت شرایط در خاورمیانه است.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران از فدراسیون جهانی اینداستریال و همه انسان‌های صلح دوست جهان می‌خواهد که تحریم های اقتصادی و بانکی و اظهارات جنگ طلبانه را محکوم کرده و به یاری نیروهای مردمی، فعالان کارگری در کشورهای خاورمیانه از جمله ایران، سوریه، فلسطین برخیزند.

ما از فدراسیون جهانی اینداستریال و همه سازمان ها و مردم صلح دوست جهان که طی دو سال اخیر جنایات اسرائیل و همدستانش را افشا و محکوم نموده اند و با برپایی تظاهرات علیه تحمیل جنگ به خاورمیانه تلاش کرده‌اند، می‌خواهیم که مبارزه اصولی و بر حق خود بر علیه جنگ و تجاوز از :

۱- تحمیل جنگ و بمباران ایران

۲- ادامه شرایط ترور و ربودن فعالان اجتماعی و ترقی خواه، و سندیکالیست ها در لبنان و سوریه

۳- اظهارات تحریک آمیز و غیر مسئولانه افراد غیر مسوول ایرانی ادامه بدهند .

صلح، تامین کننده نان همه زحمتکشان جهان است. بدون صلح مبارزات کارگران کم رنگ و کم اثرتر خواهد بود. در جنگ فرزندان کارگران کشته و خانواده های کارگری داغدار خواهند شد.

ما خواهان صلح، شرایط انسانی، کار شرافتمندانه و دستمزد مناسب و زندگی انسانی هستیم. همبستگی ما بازدارنده سیاست های جنگ طلبانه خواهد بود.

نه به جنگ، زنده باد صلح

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

۲۹ بهمن ۱۴۰۳

جنگ پایان خواهد یافت

و رهبران با هم گرم خواهند گرفت

و آن دختر جوان

که منتظر معشوق خویش است

و فرزندانی

که به انتظار پدر قهرمان شان نشسته اند.

نمی دانم چه کسی وطن را فروخت

اما دیدم چه کسی

محمود درویش شاعر فلسطینی

بهای آن را پرداخت.

گزارش های کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



اخبار کارگران پروژه ای



۱- به شرایط ضد قانون کار، تن ندهیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، پروژه نیروگاه رودشور به کارفرمایی مپنا و پیمانکاری نصب نیرو در زمان بستن قرارداد با کارگران شرط می کنند که تا سه ماه از حقوق خبری نیست و حق اعتراض هم ندارند. به همین دلیل کارفرما همیشه بیش از ۴ ماه حقوق عقب افتاده به کارگران بدهکار است و کارگران برای دریافت دستمزدهای خود هربار باید دست به اعتصاب بزنند. پیمانکار صارمی و چند پیمانکار دیگر هم از این موضوع سواستفاده

کرده به کارگران ظلم می کنند از جمله از دادن لباس کار، عیدی و سنوات خودداری می کنند و با دادن غذای افتضاح ظلم خود را کامل می کنند. در حال حاضر هم کارگران بیش از ۳ ماه دستمزد طلبکارند. کارگران در قدم اول به اداره کار، حراست نیروگاه این اقدامات غیرقانونی را اطلاع بدهند و نتیجه را به سندیکای کارگری خبر دهند. طبق قانون کار دستمزد کارگران را باید روزانه یا هفتگی و یا ماهانه تسویه کرد در غیر این صورت کارفرما تخلف کرده و می توان شکایت کرد.

کارگران پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها

۲- اعتصاب کارگران پروژه ای در شرکت صدرا!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران داربست بند شرکت صدرا برای دریافت دستمزدهای عقب افتاده خود دست به اعتصاب زدند، در این شرکت دستمزد کارگران داربست بند بیش از ۵ ماه است که پرداخت نشده و کارگران مجبورند برای دریافت دستمزدهای خود هر ماهه دست به اعتصاب بزنند. کارفرما به کارگران پیام داده است که این هفته بخشی از حقوقشان را دریافت خواهند کرد پس به کار برگردند. ولی کارگران پاسخ دادند که هر زمان حقوق مان را دریافت کردیم به سرکار باز خواهیم گشت بارها به کارگران گفته شده نباید اجازه دهند حتی یک روز حقوق شان عقب بیفتد چرا که کارفرما عادت کرده می شوند و همیشه حقوق کارگران را عقب می اندازند.

۳- کار در خارج از ایران پر از مصیبت!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با آنکه بارها به کارگران گفتیم که در این خصوص بسیار با احتیاط باشند و قبل از هرکاری تحقیقات سفت و سختی از وضعیت پیمانکار و نحوه کار را مطلع گردند بعد اقدام به رفتن به سرکار انجام بدهند اما باز هم مواجه با چنین اتفاقاتی می شویم: «سلام؛ دیروز عراق رفتم شهر بصره برای کارگری با چند استاد کار ساختمانی. کل کار در یک ساختمان در شهرک سه طبقه بتنی بود. قرار شد دیوار چینی با بلوک کنیم. جای خواب و سرویس بهداشتی در صحرا بود یعنی هیچ کانکسی وجود نداشت. با یک بدبختی از جنوب استان فارس تا بصره رفتیم. دو تا کارگر اهوازی همراه بردیم. ولی متاسفانه پیمان کار ایرانی بچه فیروز آباد، غذا به ما نداد. مجبور شدیم کشور عراق را بدون پول به مرز ایران بیایم و بعد یک روز نیم دست خالی به خانه برگشتیم. بیمه هم نداشت.» باز هم به همه کارگران تاکید می کنیم کار در خارج از کشور بسیار پر مصیبت است. باید قبل از هر کاری از وضعیت محل کار و پیمانکار مربوطه اطلاعات کافی پیدا کرد. با مراجعه به سندیکای کارگری و پرسش از دوستان در مورد پیمانکار، بعد وقت تصمیم گیری است.

۴- دغلكارى و خلافكارى پيمانكاران ادامه دارد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با نزدیک شدن عید، دغلبازی پیمانکاران هم شروع می شود. ۱- شرکت ساتراپ مستقر در نیروگاه برق عسلویه، کارگران نقشه بردار و مترال من خود را تسویه اما هیچ پولی به آنان پرداخت ننموده است و آنان را به امان خدا آن هم شب عید رها کرده است. کارگران هم اعتصاب کرده در خوابگاههای خود مانده و اعلام کرده اند: «تا حقوق کامل خود را نگیریم از شرکت بیرون برو نیستیم» این بی قانونی را هم مدیر پروژه آقای مهندس امیدی و هم رییس کارگاه مهندس ریاحی و هم صاحب شرکت مهندس شهبازی با هماهنگی هم در مقابل چشمان مدیریت نیروگاه و حراست انجام داده اند. به کارگران توصیه می کنیم نامه ای به مدیر نیروگاه و حراست نوشته و نسخه ای هم به وزارت کار بفرستید و موضوع را پیگیری کنید و سندیکای کارگری را هم در جریان بگذارید. ۲- شرکت آزان پویا مستقر در پروژه خط انتقال آب به فولاد غدیر نیریز. این شرکت از آبان ماه تاکنون حقوق کارگران را پرداخت نکرده و بیمه های مرداد ماه کارگران نیز به تامین اجتماعی واریز نگردیده است و با ترفندی کارگاه را تعطیل و کارگران را به مرخصی اجباری راهی کرده اند. مدیر پروژه مهندس معماری جواب تماس کارگران را نمی دهد و مدیرعامل مهندس شیخ حسینی به کارگران گفته پیام بفرستید اما به پیام ها هم پاسخی نمی دهد. به ۲۵ نفر از کارگران اعلام کرده اند دیگر احتیاجی به آنان نیست، ۳۳ کارگر به مرخصی اجباری فرستاده اند، ۱۰ نفر را اخراج کرده اند که آنان از شرکت شکایت کرده اند که همگی این کارگران همچنان سرگردان و بدون پول مانده اند. شرایط کاری این کارگران ۷/۲۳ بود و برای اضافه کاری هم پولی پرداخت نمی شد. این شرکت در اسپکه، فراهیند، پالیزان، چابهار، بندرعباس، ایموواسکو مشغول به کار است و این پروژه ها هم کارگزارانش از مهرماه حقوقی نگرفته اند. باید متأسف بود برای شرکت جهاد نصر کرمان با این پیمانکار دغلبازش. به این کارگران توصیه می کنیم از تمامی مکاتبات و تماس ها عکس گرفته به همراه دیگر کارگران شاکی دستجمعی به وزارت کار و تامین اجتماعی شکایت کرده نتیجه را به سندیکای کارگری اطلاع بدهند. به همه کارگران اعلام می کنیم شرکت ساتراپ و شرکت آزان پویا تحریم کارگری هستند و هیچ کارگری برای کار به این شرکت ها مراجعه نکند تا بدون کارگر مانده و از پروژه ها حذف شوند.

۵- اعتصاب در کارگاههای مس سرچشمه!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، بیش از ۳۰۰ کارگر در کارگاههای مس سرچشمه خاتون آباد شهربابک استان کرمان پروژه فلوتاسیون با مدیریت شرکت سرمایه گذاری و نظارت شرکت مبینا، امروز ۱۵ اسفند به دلیل عقب افتادن حقوق ها و بیمه دست به اعتصاب زده در خوابگاههای خود تا رسیدن به نتیجه نهایی تحصن کردند. با توجه به اینکه کارخانه مس

سرچشمه روزانه بالاترین درآمدها و سود را داراست؛ ولی شوربختانه نسبت به پرداخت دستمزدهای کارگران کوتاهی می‌نماید و با سپردن کارها به پیمانکارهای دلال و پادو، کارگران را بدون حقوق و مزایای رها می‌کنند. در حال حاضر دستمزدها تا سه ماه عقب افتادگی دارد و کارگران را ناچار می‌نمایند تا از اهرم فشار اعتصاب و زور وارد عمل شوند و در این میان هم به جز وعده‌های دروغ، برای کارگران دست‌آوردی نداشته و ندارند. با توجه به تورم بدون مرز و تحمیلی و ساختگی بر مردم، مسئولین این کارخانه در هنگامه فرا رسیدن عید نوروز باز هم برای پرداخت دستمزدهای روزانه و حق بیمه کارگران، این پا و آن پا می‌نمایند. کارگران شرکت‌های تونل‌سد، انرژی ابان، سابیر، تارا هنوز بیمه‌های برج ۱۰ آن‌ها واریز نشده است. از نخستین روزهای اسفند ماه تاکنون کارگران شرکت‌های تونل‌سد، انرژی ابان، سابیر، تارا و... برای پرداخت نشدن دستمزدهایشان اعتصاب و اعتراض نموده‌اند؛ و شوربختانه تاکنون هنوز به مطالبات به حق آن‌ها رسیدگی نشده است و برای انجام خواسته‌های کارگران امروز و فردا می‌نمایند. کارگران می‌گویند اگر که این کارخانه تولیدی مس سرچشمه نمی‌تواند پاسخگوی حق و حقوق کارگری آنان باشد؛ پس این همه سرمایه‌های هنگفت روزانه که تریلی تریلی بار می‌شوند در کجاها هزینه می‌گردند؟ مردم و فرودستان جامعه در کجای پازل ثروت‌های ملی هستند؟ آیا کارگران بایستی اینچنین خوار شوند که پس از سه ماه کارکردن در یکی از بزرگترین کارخانه‌های کشورمان، برای پول توجیبی و نیازهای بدیهی خانواده به هر کس و ناکسی زنگ بزنند و پول درخواست نمایند و قرض نمایند؟ آیا کارگرانی که دستمزدهایشان را روزمزد محاسبه می‌نمایند را پس از سه ماه آن‌هم با زور اعتصاب و آتش افروزی باید بگیرند؟ سرمایه‌های ملی تریلی تریلی به کجا می‌روند که اینچنین مردمان سرزمینمان خوار و ذلیل شده‌اند؟ ما در این بازار دلالی و به تاراج رفتن سرمایه‌های ملی میهن، راهی به جز پیوستن به خرد جمعی نداریم. خرد جمعی ما را به مطالبه‌گری و دادخواهی فرا می‌خواند. اعتصاب قدرتمندترین سلاح طبقه کارگر

اخبار کارگران نفت و گاز

۱- اعتصاب و تجمع حقی است همگانی!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در پی تجمع کارگران ارکان ثالث در مقابل شرکت پالایش گاز فجر جم امروز سه‌شنبه ۳۰ بهمن ۱۴۰۳ که خواستار حذف شرکت‌های پیمانکاری از عرصه‌های نفت و گاز بر طبق ماده ۱۷ قانون خدمات کشوری، اجرای استخدام رسمی و پوشش همگانی قوانین شرکت نفت و گاز بدون تبعیض برای همه کارکنان و کارگرانی که در جای جای مرکز نفت و گاز کار می‌کنند، و طبقه‌بندی صحیح نه فریبکارانه، شدند. با خبر شدیم تعدادی از این کارگران احضار و با تهدید روبرو شدند که در شعارهای امروز این

کارگران «کارگر می میرد/ تهدید نمی پذیرد» منعکس بود. این اعتراضات قانونی در محوطه شرکت پالایش گاز، هفتگی به صورت خودجوش و با خواست همه کارگران ارکان ثالث، برگزار می شود. یکی از مشکلات مهم همه کارگران ایران و شرکت نفت حضور مدیران بدون تخصص و اهمال کار و پروازی است. از جمله آقای سراملکی که از سال ۹۶ با دریافت قراردادی نجومی در قالب مشاوره هیچ کار مثبتی انجام نداده است و از این افراد بسیارند در شرکت نفت و گاز. این هزینه های نجومی که از ثروت ملی بیرون ریخته می شود اگر به کارگران اختصاص یابد و کارگر به حق خود می رسد و تجمعی شکل نخواهد گرفت. متأسفانه با تعلل مدیران نفت و گاز و وزارت کار افرادی که صلاحیت رسیدگی به اعتراضات کارگران را ندارند روبرو هستیم. اعتراضات کارگری در حوزه صلاحیت فقط وزارت کار است و پس، نه هیچ نهاد دیگری. کارگران پروژه ای و سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران ضمن اعلام همبستگی و حمایت از خواسته های قانونی کارگران ارکان ثالث، خواستار اجرای خواسته های بر حق کارگران ارکان ثالث می باشد. وزارت نفت و وزارت کار باید قانون طبقه بندی مشاغل و حذف شرکت های پیمانکاری را اجرا کنند. اعتراض و تجمع حق همه شهروندان ایرانی است. امنیتی کردن محیط های کارگری به صلاح هیچ کس نیست و محکوم است. کارگران پروژه ای و سندیکای کارگری

۲- شاغل بازنشسته، اتحاد اتحاد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در یک اتفاق خوشایند کارگری که نشانگر هوشمندی کارگران شاغل است در روز (پنجم اسفند ۱۴۰۳) حراست ستاد مرکزی شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب از ورود بازنشستگان شرکت نفتی به محوطه شرکت و پیوستن آنان به همکاران شاغل برای طرح مطالبات مشترک جلوگیری کرد و درهای شرکت را به روی آنان بست. این اقدام با واکنش فوری کارکنان شاغل مواجه شد. آنان در حمایت از بازنشستگان این همکاران قدیمی، در مقابل درب اصلی تجمع کرده و ضمن محکوم کردن این اقدام، بر ضرورت اتحاد و همدلی در پیگیری حقوق خانواده بزرگ صنعت نفت تأکید کردند. هر کارگر شاغل، بازنشسته فرداست و به همین دلیل مسایل بازنشستگان باید مورد حساسیت و نگرانی کارگران شاغل باشد.

کارگران کارخانه سیمان کارون چه می گویند؟!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران کارخانه سیمان کارون طی تماسی با سندیکا نامه زیر را برایمان ارسال کرده اند. ضمن آرزوی موفقیت برای این کارگران متن نامه به شرح زیر است: «سلام، گزارشی به روز از مشکلات کارگران و کارخانه سیمان کارون به عرض میرسه، لطفا صدای ما کارگران باشید..»

نامه اعتراضی به وضعیت بحرانی کارگران کارخانه سیمان کارون

به: مدیران محترم کارخانه سیمان کارون، مسئولین وزارت کار و رفاه اجتماعی، و سایر نهادهای ذی‌ربط

موضوع: اعتراض به وضعیت معیشتی کارگران، سوءمدیریت و اقدامات مخرب پیمانکار



با سلام، ما کارگران کارخانه سیمان کارون، با نگرانی و اعتراض شدید نسبت به شرایط نابسامان این مجموعه، این نامه را جهت رساندن صدای خود به مسئولین و افکار عمومی تنظیم کرده‌ایم. سال‌هاست که این کارخانه، به دلیل سوءمدیریت، بهره‌برداری نادرست و فساد ناشی از رانت، درگیر مشکلات جدی شده است. در حالی که این مجموعه یکی از مهمترین صنایع تولیدی کشور محسوب می‌شود، سیاست‌های غلط مدیریتی و بی‌توجهی به کارگران، آن را به سمت سقوط سوق داده است. مشکلات اصلی که امنیت و معیشت ما را تهدید می‌کند:

- ۱- عدم پرداخت حقوق و مزایا: حقوق کارگران حداقلی است و همان نیز به صورت نامنظم و با تأخیر پرداخت می‌شود. همچنین، پاداش‌ها، حق سنوات و ارزاق خوراکی که حق قانونی کارگران است، تاکنون پرداخت نشده و وضعیت معیشتی ما را به شدت بحرانی کرده است.
- ۲- قراردادهای کوتاه مدت و ناامنی شغلی: مدیریت از قراردادهای موقت و کوتاه مدت استفاده می‌کند تا کارگران را در وضعیت بی‌ثباتی و ترس از اخراج نگه دارد. این اقدام نه تنها به نفع کارگران نیست، بلکه انگیزه کار را نیز کاهش داده است.
- ۳- شرایط کاری بسیار خطرناک: کوره کارخانه در وضعیت بحرانی قرار دارد و ضخامت آن به شدت کاهش یافته است. در صورت ادامه این روند، خطر انفجار سیکلون‌ها و کوره هر لحظه وجود دارد، که می‌تواند منجر به یک فاجعه انسانی شود.
- ۴- واگذاری کارخانه به پیمانکار و سیاست‌های مخرب او: اخیراً کارخانه، از خط تولید تا بارگیری، به پیمانکاری واگذار شده که مشکلات خط تولید را کاملاً نادیده گرفته و فشار حداکثری برای تولید اعمال کرده است. این اقدامات نه تنها ایمنی کارگران را به خطر انداخته، بلکه هدف اصلی پیمانکار، تخریب عامدانه کارخانه برای خرید آن به پایین‌ترین قیمت ممکن است.

۵- برنامه‌ریزی برای توقف تولید و تصاحب کارخانه: پیمانکار فعلی قصد دارد با فشار مضاعف بر تولید، تجهیزات کارخانه را از کار بپندازد، تولید را متوقف کند و کارگران را به بیمه بیکاری ارجاع دهد. سپس با اجرای یک پاکسازی سازمانی، کارخانه را تصاحب کرده و بدون هیچ‌گونه مانع، مالک آن شود. ۶- استخدام مدیران پروازی با حقوق‌های نجومی: در حالی که کارگران در تأمین نیازهای اولیه خود دچار مشکل هستند، مدیریت جدید اقدام به استخدام مدیران پروازی با حقوق‌های بالا کرده است که کوچک‌ترین ارتباطی با مشکلات و شرایط واقعی کارخانه ندارند. ۷- واگذاری امور فروش و بازرگانی کارخانه، بدون در نظر گرفتن ساختار اداری و مالی، به یک فرد کم‌تجربه و ناآگاه سپرده شده است که هیچ نظارتی بر عملکرد او وجود ندارد. این تصمیمات غیرکارشناسی، موجب اختلال در روند اقتصادی کارخانه شده است. ۸- نبود امکانات بهداشتی و رفاهی: کارگران از حداقل امکانات بهداشتی محروم هستند و این مسئله، سلامت و جان آن‌ها را به خطر انداخته است.

نتایج این اقدامات برای کارگران و جامعه: افزایش فقر و مشکلات معیشتی برای هزاران کارگر و خانواده‌هایشان، نابودی یک صنعت تولیدی مهم و بیکاری گسترده در منطقه، ایجاد رانت و فساد مالی در مدیریت کارخانه، خطر جانی برای کارگران به‌دلیل شرایط ناایمن تولید

درخواست‌های فوری کارگران: ما، کارگران کارخانه سیمان کارون، از مسئولین محترم درخواست داریم که هرچه سریع‌تر به مشکلات ما رسیدگی کنند. خواسته‌های ما شامل:

الف) پرداخت فوری حقوق معوقه، پاداش، حق سنوات و ارزاق خوراکی ب) لغو قراردادهای کوتاه‌مدت و تضمین امنیت شغلی کارگران پ) بازرنگری در وضعیت پیمانکار و جلوگیری از تخریب عمدی کارخانه ت) رسیدگی به مشکلات فنی کارخانه و جلوگیری از بروز فاجعه در کوره و تجهیزات تولید ج) جلوگیری از استخدام مدیران غیرضروری با حقوق‌های بالا و رسیدگی به مسائل مالی شرکت چ) نظارت بر امور فروش و بازرگانی و پایان دادن به تصمیم‌گیری‌های غیرکارشناسی

در غیر این صورت، ما ناچار خواهیم بود که برای احقاق حقوق خود از تمامی روش‌های قانونی، ... و شکایت رسمی، استفاده کنیم

با احترام، کارگران کارخانه سیمان کارون

وضعیت کارگران کارخانه «مژده وصل شیراز»



مژده وصل شیراز

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت مژده وصل شیراز تولید کننده قطعات خودرو واقع در جاده قدیم قزوین نرسیده به زیاران قانون کار را در حق کارگران خود رعایت نمی کند. این کارخانه دارای بخش های قطعه سازی، قالب سازی، جوشکاری، لاستیک است. مدیر این کارخانه حقوق ماهانه کارگران را نه بر اساس ۸ ساعت کار بلکه بر اساس ۲۲۰ ساعت کار ماهانه پرداخت می کند. طبق قانون کار با احتساب دو روز مرخصی هر ماهه باید ساعت کار کارگران ۱۷۶ باشد و بیش از این ساعت اضافه کار محسوب می شود، که از سوی کارخانه رعایت نمی شود. با اینکه با کارگران قراردادهای یکماه و سه ماهه بسته می شود اما کارگران را روز مزد حساب کرده و هر روزی که کارگر در کارخانه حضور نداشته باشد، دستمزدی به او داده نمی شود برای کارگران این کارخانه تعطیلی روز جمعه معنی ندارد. حتی از حقوق ماهیانه بابت تعطیلات رسمی هم دستمزدی تعلق نمی گیرد طبق قانون کار دستمزد روزهای جمعه و یا روزهای تعطیل رسمی باید ۶۰ درصد افزایش داشته باشد اما این موضوع در این کارخانه لحاظ نمی شود. از سوی دیگر دستمزد کارگران همیشه یک ماه از سوی کارفرما به گروگان گرفته شده است. این کارخانه که بیش از ۶۰۰ کارگر در آن مشغول کار هستند تنها لباس کار داده می شود و از کفش کار خبری نیست.

گرم شدن یکشنبه های اعتراضی در سرمای زمستان!



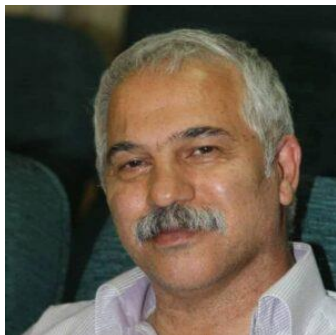
به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، یکشنبه های اعتراضی در شهرهای اهواز، تهران، رشت، شوش، کرمانشاه در هوایی بسیار سرد با شعارهای کوبنده و آگاهی بخشی بازنشستگان، حال و هوایی دلگرم کننده به فضای تلخ و زندگی اسفبار زحمتکشان داد. در شهرهای تهران، رشت، کرمانشاه بازنشستگان تامین اجتماعی و فرهنگی و مخابرات به صورت متحد خواسته های خود را فریاد زدند: «حاصل کار دولت/ غارت جیب ملت، خواسته ما این زمان/ صلح رفاه آزادی، ایران رو غارت کردن/ مارو بیچاره کردن، فریاد فریاد/ از این همه بیداد، لشکری کشوری تامین اجتماعی/ اتحاد اتحاد، مسوول بی لیاقت/ خجالت خجالت، اتحاد اتحاد/ علیه فقر و فساد، حقوق نصفه نیمه/ سکوت کنی همینه، حسین حسین شعارشون/ دروغ و دزدی کارشون، بیکاری تورم/ بلای جان مردم، خدمت به بازنشسته/ تشویق شاغلین است، مالیات بیشمار/ امکانات اسفبار، اختلاس نجومی/ فلاکت عمومی، شورای عالی کار/ حامی سرمایه دار، وعده میدین عمل کو /مسوولین دروغگو، دولت فرمایشی/ حقوق فرمایشی» حضور بانوان مطالبه گر در تهران، کرمانشاه و گیلان بسیار چشمگیر بود. در قطعهنامه تجمع بازنشستگان این موارد ذکر شده: «اجرای مواد ۱۲۵ و ۸۵ مدیریت خدمات کشوری، اجرای مواد ۵۴ و ۹۶ تامین اجتماعی، انتصاب مدیران منتخب و کارآمد تحت نظارت نمایندگان واقعی بازنشستگان، حداقل دستمزد برای یک زندگی شرافتمندانه، تامین رایگان آموزش و درمان، عیدی بازنشستگان تامین اجتماعی مطابق با شاغلین ۲ ماه و بازنشستگان کشوری

یک ماه» همچنین «آزادی فوری و بدون قید و شرط و لغو وثیقه ها و توقف پرونده سازی ها علیه تمامی فعالین اعم از کسانی که بصورت ناعادلانه محکوم به حبس شده اند و نیز آنان که تنها برای دفاع از آموزش و درمان رایگان و رفع تنگناهای درمانی و معیشتی مطابق هزینه های زندگی در مظان اتهام قرار دارند . در خاتمه آزادی برگزار تجمعات اعتراضی مطابق با اصل ۲۷ قانون اساسی را حق مسلم خود می دانیم و بطور جدی خواستار خاتمه دادن به هرگونه نگاه سیاسی، قضایی، امنیتی به تجمعات صنفی و احضار، بازخواست، بازداشت، و تعهد گرفتن از مطالبه گران حق طلب شاغل و بازنشسته هستیم و بر اساس حقوق شهروندی خود هم چنان فریاد می زنیم : تجمع ، اعتراض علیه فقر و فساد حق مسلم ماست» بازنشستگان در همه تجمعات خواستار آزادی ابراهیم مددی، داود رضوی، اسماعیل گرامی، نوروز ذبیحی، شریفه محمدی شدند. تلاش های وزارت کار برای فرسایشی کردن مذاکرات مزدی و ارسال پیام های یاس آور به بازنشستگان از سوی مدیران تامین اجتماعی در خصوص نداشتن پول برای پرداخت عیدی و پرداخت طلب های دولت به سازمان و لغو قرارداد مراکز درمانی و داروخانه ها با تامین اجتماعی، تلاشی مذبوحانه بود تا بازنشستگان را دچار ناامیدی کرده و با این پیام ها آنان را از مبارزه دلسرد کنند. اما اعتراضات در فضای مجازی، مصاحبه های اعتراضی بازنشستگان متحد تهرانی با خبرگزاری ایلنا و افزایش شمار معترضین به ویژه در تهران و گیلان، نقشه شوم مافیای لانه کرده در دولت را نقش بر آب کرد. وزیر کاری که ادعای حمایت از کارگران را می کرد با «مزد صنفی و مزد منطقه ای» تلاش دارد هماهنگ با کارفرمایان دستمزدی در حد شخصیت خود به جامعه کارگری تحمیل کند. مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی که با شعار «حذف بیمه های تکمیلی» برای گول زدن بازنشستگان میدان دار شده بود با اهمال کاری و همدستی هیات مدیره بی عرضه و سرسپرده کانون عالی و کانون های سراسر کشور با ندادن بدهی خود به مراکز درمانی و داروخانه ها چالشی بزرگ را برای بازنشستگان و جامعه کارگری رقم زده است. اما هوشیاری کوشندگان بازنشستگی و کارگری این نقشه ضدکارگری را برملا و اجازه تعرض به بخش درمان و داروی زحمتکشان را تاکنون نداده است. همانگونه که در گزارش های قبلی متذکر شدیم با سیاست های نئولیبرالیستی ضدکارگری تحمیل شده به جامعه بی تردید تظاهرات و اعتراضات هر هفته شدت بیشتری خواهد یافت. در خبرها است که سه شنبه فولادگران بازنشسته تجمعی در مقابل وزارت کار خواهند داشت.

اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد

بازنشستگان متحد تهرانی

مصاحبه مازیار گیلانی نژاد مسوول سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران با خبرگزاری ایلنا



آیا سبد معیشت ۲۳ میلیون تومانی واقعی‌ست؟ / هزینه‌های زندگی بیش از ۴۰ میلیون تومان است کد خبر: ۱۶۰۱۳۴۱

سبد معیشت واقعی نیست!

وقتی قرار است داده‌های رسمی مرکز آمار ایران مبنای کار قرار بگیرد، معلوم است که در کمیته مزد، سبد معیشت ۱۷ میلیون و ۷۰۰ هزار تومانی پارسال به ۲۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان می‌رسد. یعنی فقط کمی بیش از ۳۰ درصد افزایش در نرخ سبد معیشت! در واقع باید پرسید آیا در عرض این یکسال اخیر هزینه‌های زندگی کارگران کشور فقط ۶ میلیون تومان بیشتر شده است؟! داده‌های رسمی و فرمول‌های محاسباتی هزینه‌های زندگی واقعی نیست؛ بنابراین سبد معیشت ۲۳ میلیون تومانی نیز غیرواقعی‌ست و فقط با هدف «توافق» نرخ‌گذاری شده، توافقی که فقط برای توافق نه برای بهبود وضع معاش کارگران در دستور کار است!

«مازیار گیلانی‌نژاد» فعال کارگری در این رابطه می‌گوید: در چند روز گذشته کمیته دستمزد رقم ۲۳ میلیونی سبد معیشت را اعلام کرده و کارزاری هم از سوی نماینده کارگران ارکان ثالث برای افزایش ۷۰ درصدی دستمزد راه اندازی

شده؛ طبق گفته اقتصاددانان و محاسبات عادلانه، خط فقر حدود ۵۰ میلیون تومان است؛ پس ۲۳ میلیون تومان نصف خط فقر هم نیست! از سوی دیگر کارزار افزایش ۷۰ درصدی به ۱۸ میلیون تومان دستمزد راضی است. اما آنچه در جامعه در جریان است حقیقتی دیگر است. او افزود: طبق آمار اعلامی از سوی خرده فروشی‌ها و مشاهده هر روزه مردم، در همین چند ماهه اخیر حبوبات حدود ۱۰۰ درصد، لبنیات حدود ۷۰ درصد، میوه نزدیک ۶۰ درصد، برنج ۱۰۰ درصد و دارو به طور متوسط چیزی بیش از ۱۰۰ درصد، رشد قیمت داشته‌اند. این فقط به امسال محدود می‌شود. اما اگر قرار است طبق ماده ۴۱ قانون کار دستمزدی برای یکسال آینده مصوب شود باید به جز تورم ۱۰۰ درصدی امسال، تورم انتظاری سال بعد هم در نظر گرفته شود، چراکه طبق پیش‌بینی‌های اقتصاددانان، در صورت تثبیت شرایط موجود، قیمت دلار تا آخر تابستان ممکن است به ۱۲۰ تا ۱۵۰ هزار تومان هم برسد! گیلانی‌نژاد با استناد به این داده‌ها و شتاب بیش از ۶۳ درصدی قیمت دلار در یکسال اخیر، معتقد است که تنها در صورتی که حداقل مزد بین ۳۳ تا ۳۵ میلیون تومان تعیین شود، کارگران در سال آینده قادر به تامین نیازهای حداقلی زندگی خود خواهند بود. او اضافه می‌کند: اما قصد دارند باز هم دستمزدی ۳ برابر زیر خط فقر به کارگران تحمیل کنند، وقتی هزینه‌های زندگی بیش از ۴۰ میلیون تومان است. تورم نقطه به نقطه نرخ دلار تا پنجم اسفند بیش از ۶۳ درصد بوده؛ اما شاید مدعی شوند که قیمت دلار ملاک نیست و ما در مذاکرات مزدی و محاسبات سبد معیشت به نرخ خوراکی‌ها استناد می‌کنیم؛ ولی نکته اینجاست که در همین مدت، تورم نقطه به نقطه‌ی خوراکی‌ها با استناد به داده‌های واقعی کف بازار بیشتر از این ۶۳ درصد بوده است. در هر حال، برای اینکه یک خانواده کارگری بتواند اجاره خانه بدهد، خوراک بخرد، درمان و آموزش را برای خانواده فراهم کند و به دلیل یک بیماری ساده، تن سر پرست خانوار از بی‌پولی و ناداری نلرزد، باید حداقل ۴۰ میلیون تومان درآمد ماهانه داشته باشد؛ کمتر از آن، نه دستمزد عادلانه و شرافتمندانه که دستمزد بیگاری‌ست. اما حقوق ۴۰ میلیونی پیشکش، آیا آن‌ها که در شورای عالی کار نشسته‌اند به افزایش ۱۰۰ درصدی دستمزد که حقوق ماهانه کارگر را به ۲۰ میلیون تومان برساند، رضایت می‌دهند؟! این احتمال، بسیار بعید است.

گزارش: نسرين هزاره مقدم

مصاحبه هادی افشار از بازنشستگان متحد تهرانی با خبرگزاری ایلنا



شغل دوم بعد از ۳۰ سال کار برای تأمین حداقل معاش خانواده/ مذاکرات نمادین نمی‌خواهیم!

یک فعال صنفی بازنشستگان گفت: طبق ماده ۹۶ قانون تأمین اجتماعی، حقوق بازنشسته باید با توجه به افزایش هزینه‌های زندگی، افزایش پیدا کند. ما انتظار داریم که دستمزد امسال با مبنا قرار دادن این قوانین تعیین شود.

هادی افشار، بازنشسته کارگری و فعال صنفی بازنشستگان، در گفتگو با خبرنگار ایلنا، با اشاره به نزدیک شدن به جلسات مزدی آخر سال و موعد تعیین حداقل حقوق کارگران و بازنشستگان گفت: میزان افزایش حقوق و مستمری دغدغه این روزهای کارگران و بازنشستگان است. صحبت در رابطه با مشکلات معیشتی، تکرار مکررات است اما واقعیت تلخ همین موضوع تکراری، در زندگی کارگران و بازنشستگان حس می‌شود و زندگی را به کام همه تلخ کرده است. وی گفت: ناتوانی در تأمین نیازهای اساسی و صرف نظر کردن از بسیاری از مواد مورد نیاز سبد غذایی خانوار، واقعیت امروز زندگی بسیاری از خانوارهای کارگری است. رفتن به سمت مشاغل خدماتی و همچنین مشاغل کاذب بعد از دوران بازنشستگی هم واقعیت تلخ دیگری است که نشان از بحرانی شدن وضعیت زندگی طی سال‌ها دارد. این فعال صنفی بازنشستگان گفت: از مذاکرات نمادین تعیین مزد، مذاکراتی که بدون توجه به وضعیت کارگران و بازنشستگان مستمری را تعیین می‌کند، اعلام انزجار می‌کنیم. تأکید داریم که

اضافه کردن درصدهای کذایی به حقوق ماهانه، در وضعیت معیشتی ما تغییری به وجود نمی‌آورد. در بهترین حالت اوضاع ما ثابت می‌ماند، اما معمولاً اوضاع هر سال بدتر می‌شود و ما قدرت خرید خود را از دست می‌دهیم. افشار بیان کرد: تعیین حقوق بدون توجه به درصد واقعی تورم و نرخ سبد معیشت، اوضاع معیشتی ما را بدتر می‌کند. طبق ماده ۹۶ قانون تأمین اجتماعی، حقوق بازنشسته باید با توجه به افزایش هزینه‌های زندگی، افزایش پیدا کند. ما انتظار داریم که دستمزد امسال با مبنا قرار دادن این قوانین تعیین شود. این فعال صنفی بازنشستگان گفت: آنچه بازنشستگان امروز دارند، نتیجه‌ی ۳۰ سال کارشان است. نتیجه‌ی ۳۰ سال کار و بیمه‌پردازی، حقوق ۱۰ میلیون تومانی و خدمات درمان بسیار ضعیف است. نتیجه‌ی این ۳۰ سال کار، فقر بازنشستگان در دوران پیری و ناتوانی از پرداخت هزینه‌های بعضاً سنگین درمان است. آن‌ها ۳۰ سال کار کرده‌اند و حالا در سن بالای ۶۰ سالگی باید دوباره کار کنند تا فقط بتوانند هزینه‌های جاری را تأمین کنند. وضعیت بد بازنشستگان را باید در نیاز مبرم بازنشستگان به وام‌های ناچیز برای تأمین هزینه‌های درمان مشاهده کرد. افشار تأکید کرد: ۳۰ سال بیمه‌پردازی کردیم تا در دوران پیری، حداقل برای تأمین نیازهای ساده و حیاتی آسوده خاطر باشیم، اما به دوران پیری رسیدیم و با سازمانی مواجه‌ایم که برای پرداخت به موقع مستمری دچار مشکل است. این فعال صنفی بازنشستگان با انتقاد از عملکرد کانونهای بازنشستگی گفت: این کانون‌ها باید نمایندگان ما باشند و حقوق ما را احیا کنند، اما حمایتی از این کانون‌ها ندیدیم. نه در بحث بیمه تکمیلی و نه پیگیری حقوق و نه اجرای صحیح متناسب‌سازی. در نهایت آنچه به عنوان متناسب‌سازی اجرا شد با آنچه انتظار داشتیم، فاصله‌ی بسیاری داشت و مبلغ اضافه شده بسیار ناچیز بود. وی در پایان با اشاره به ناچیز بودن عیدی بازنشستگان کارگری گفت: زمانی که به شیوه‌ی تعیین مستمری اعتراض می‌کنیم و می‌گوییم مستمری باید مطابق با ماده ۹۶ قانون تأمین اجتماعی تعیین شود، می‌گویند مستمری شما پیرو مصوبه‌ی شورای عالی کار افزایش می‌یابد و آنچه برای کارگران تعیین شده برای بازنشستگان نیز اجرا می‌شود. در مقابل، زمانی که از میزان کم عیدی صحبت می‌کنیم، می‌گویند عیدی شما همان عیدی کارمندی است. حقوق ما را آنطور که به نفع خودشان است پرداخت می‌کنند.

مصاحبه محمدرضا قربانی از بازنشستگان متحد تهرانی با خبرگزاری ایلنا: «گرانی دلار» کمر بازنشستگان را شکست/ فقط اختلاسگران سود می‌کنند!



عده ای در این اقتصاد متلاطم ثروت نجومی به دست می‌آورند؛ این ثروت از مال مردم به دست آمده اما به جیب رانتخواران می‌رود. این گروه‌ها خودشان معادلات اقتصاد را جابجا می‌کنند و به گرانی طلا و دلار دامن می‌زنند چون سود انبوه می‌برند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، در این مقطع هر اندازه مزد و مستمری زیاد شود، باز هم کافی نیست؛ «محمدرضا قربانی» فعال صنفی بازنشستگان کارگری با تاکید بر این واقعیت می‌گوید: وضعیتی پیش آورده‌اند که هر میزان افزایش دستمزد بخواهند اعمال کنند باز هم پاسخگوی گرانی‌ها نیست؛ هزینه‌های زندگی سوار هستند و ما پیاده، به گرد پای‌شان هم نمی‌رسیم. این بازنشسته، «گرانی دلار» را یکی از مهم‌ترین عوامل در سقوط سنگین معیشت بازنشستگان و مزدبگیران با درآمد ثابت می‌داند و اضافه می‌کند: در ایران، افزایش قیمت دلار

که ظاهرأ نقطه توقفی هم ندارد، هم برنده دارد و هم بازنده. برنده‌ها قدرتمندان اند و بازنده‌ها ما مزدبگیران.

اولین برنده‌ی گرانی دلار، دولت است

قربانی در توضیح بیشتر گفت: اولین برنده‌ی گرانی دلار، دولت است که این میان، سود کلان می‌برد و کسری سنگین بودجه‌ی خود را با سقوط معیشت مردم جبران می‌کند. بابت هر چیزی که صادر کنند، چه از مجاری قانونی و چه با دور زدن تحریم‌ها، ارز خارجی می‌گیرند و وقتی دلار گران می‌شود، ریال بیشتری حاصل دولت می‌شود. دولت سود می‌برد و چه بسا خودش به این گرانی‌ها دامن بزند. برنده‌ی بعدی، خصولتی‌های رانتی هستند مانند پتروشیمی‌ها، کارخانه‌های مس و فولاد و معادن بزرگ که مسیرهای صادراتی‌شان باز است و گران شدن دلار به نفع آن‌ها و صادرات‌شان است. او ادامه داد: اختلاسگران و آن‌هایی که بدون ضابطه از بانک‌ها وام می‌گیرند، برندگان بعدی گرانی دلار هستند؛ ما مزدبگیران برای ۳۰ میلیون وام باید ماه‌ها انتظار بکشیم و هفت خوان رستم را پشت سر بگذاریم اما طرف بدون ضامن و سپرده وام چندین میلیاردی می‌گیرد، با این پول طلا و دلار می‌خرد و چند ماه بعد، در این اقتصاد متلاطم ثروت نجومی به دست می‌آورد؛ این ثروت از مال مردم به دست آمده اما به جیب رانتخواران می‌رود. این گروه‌ها خودشان معادلات اقتصاد را جابجا می‌کنند و به گرانی طلا و دلار دامن می‌زنند چون سود انبوه می‌برند. این فعال صنفی بازنشستگان تامین اجتماعی با بیان اینکه «بازنده گرانی دلار، همه مزدبگیران از کارگران شاغل و بازنشسته بگیر تا معلمان و پرستاران و کارمندان دولت هستند» اضافه می‌کند: کمر مزدبگیران زیر بار گرانی دلار خم شده؛ لایه‌های بالاتر مزدبگیران که متعلق به طبقه متوسط هستند، به زیر خط فقر سقوط می‌کنند و لایه‌های فرو دست‌تر، به فلاکت مطلق می‌افتند. قربانی در توضیح بیشتر می‌گوید: زندگی کارگران حاشیه‌نشین و کم‌درآمد و بازنشستگان با حقوق حداقلی را باید دید تا دریافت گرانی دلار چه بلایی بر سر مزدبگیران می‌آورد؛ در همین حاشیه‌های تهران مثل عبدالآباد، کارگرانی را می‌شناسیم که به خاطر افزایش هزینه‌های زندگی، مجبور به ترک تحصیل فرزندان‌شان شده‌اند.

فرزندان این کارگران به جای درس خواندن و پشت نیمکت مدرسه نشستن، در خیابان دستفروشی می‌کنند.

دستفروشی فرزندان طبقه کارگر در جنوب شهر بیداد می‌کند

او با تاکید بر اینکه «دستفروشی فرزندان طبقه کارگر در جنوب شهر بیداد می‌کند»؛ گرانی‌ها را موجب طبقاتی شدن شدید آموزش دانست و گفت: وقتی می‌گویند گرانی دلار تاثیری ندارد باید تابلویی از سقوط سنگین زندگی خانواده‌های فرودست در ماه‌های اخیر پیش چشمانشان ترسیم کرد تا حقیقت تلخ را دریابند. به گفته این فعال صنفی، محرومیت از درمان، یکی دیگر از نتایج گرانی سنگین دلار و آزادسازی نرخ دارو هاست؛ او تصریح می‌کند: کارگران و بازنشستگان به خود-درمانی یا امتناع از مراجعه به پزشک و بیمارستان روی آورده‌اند؛ از ناچاری با بیماری می‌سازند و راه به جایی ندارند؛ درمان، که باید برای همه مردم رایگان باشد، بیش از هر زمان دیگری پولی شده. قربانی در ادامه به مسئله دستمزد و مذاکرات مزدی شورای عالی کار پرداخت و گفت: در این اوضاع افزایش صد درصدی مزد هم جوابگو نیست؛ در ده ماه سال جاری، قدرت خرید دستمزد نصف شده، حتی از نصف هم کمتر شده؛ با این اوصاف، درصدهای افزایش مزد معنایی ندارد. او در پایان گفت: وقتی تورم ماه به ماه و هفته به هفته زیاد می‌شود، باید مکانیسم افزایش مزد تغییر کند؛ ترمیم مزد در هر ماه یا هر فصل، اگر اتفاق نیفتد، درصدهای ناچیز افزایش مزد، قدرت معاش مزدبگیران شاغل و بازنشسته را بهبود نمی‌بخشد.

منشور جهانی حقوق سندیکایی کارگران

آزادی فعالیت سندیکایی کارگری

سازمانهای سندیکایی کارگری حق دارند به همه نوع آموزش یا فعالیت های فرهنگی در میان کارگران بپردازند، برای آنان مدرسه، کتابخانه، باشگاه یا هر نوع امکان و دیگر تسهیلات اجتماعی، آموزشی، فرهنگی، تفریحی و ورزشی فراهم آورند و خود آن را اداره کنند.

مصاحبه سعید علیزاده از بازنشستگان متحد تهران با خبرگزاری ایلنا: ثروت‌ها برای خواص/ چرا عیدی بازنشستگان پرداخت نشد؟



یک فعال صنفی بازنشستگان از گلایه‌های مدام دولت و تامین اجتماعی مبنی بر پول نداشتن انتقاد کرد. به گزارش خبرنگار ایلنا، تامین اجتماعی به بهانه کمبود نقدینگی، پرداخت عیدی بازنشستگان و مستمری‌بگیران خود را در این شرایط سخت معیشتی به تعویق انداخته است و دولت به بهانه کمبود منابع و کسری بودجه، ارز دولتی دارو و کالاهای اساسی را حذف کرده و دست به آزادسازی قیمت ضروری‌ترین نیازهای مردم زده.

«پول برای یک‌درصدی‌ها هست اما وقتی نوبت به نود و نه درصدی‌ها می‌رسد، گلایه از بی‌پولی و تشویق به ریاضت، روی میز می‌آید!». سعید علیزاده، بازنشسته کارگری با بیان این مطلب گفت: روسای مجلس، تامین اجتماعی، وزارت کار و کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی، یک صدا می‌گویند «دولت پول ندارد»؛ آیا این گفته حقیقت دارد؟ چرا بازنشستگان باید ریاضت بکشند و برای عیدی ۳ میلیون تومانی روزها و هفته‌ها منتظر بمانند؟

او ادامه داد: با توجه به اختصاص ۸ میلیارد دلار برای تهیه و واردات قطعات خودروهای لوکس، ۴ میلیارد دلار برای واردات طلا و ۳.۵ میلیارد دلار برای واردات خودروی دست دوم که همگی برای تامین منافع دلالان در عرصه خودرو و ارز و طلاست و ربطی به زندگی یومیه کارگران و مزدگیران ندارد، چطور مدعی می‌شوند پول نداریم؟ آیا نمی‌شد به جای این کالاهای لاکچری که در این شرایط به گفته‌ی آقایان «ریاضت اقتصادی» جزو اولویت‌های زندگی اکثریت مردم کشور نیست، دارو و کالاهای اساسی وارد کرد؟ نمی‌شد مایحتاج ضروری خانواده‌های زیر خط فقر را فراهم نمود؟! علیزاده تصریح کرد: ۳.۵ میلیارد دلاری که برای واردات خودروی دست دوم اختصاص یافته، از کجا آمده و مابه‌ازای آن چقدر باید مزدگیران ریاضت بکشند و آزادسازی‌ها را تحمل کنند؟ این کارگر بازنشسته با انتقاد از سیاست‌هایی که به نفع اصحاب قدرت و ثروت است؛ اضافه کرد: بودجه ۱۵ میلیارد دلاری واردات کالاهای اساسی از جمله غذا و دارو که برای امسال در نظر گرفته شده بود نه تنها افزایش نیافته تا فقر کمتری نصیب اکثریت مردم شود، بلکه برای سال بعد ۳.۵ میلیارد دلار از آن کم کرده‌اند تا گروهی سودهای نجومی کسب کنند و بخش بزرگی از مردم از دریافت خدمات دارویی محروم بمانند و مجبور به تحمل فقر بیشتر شوند. وی در ادامه با تاکید بر اینکه شیوه اداره بازار ارز به نفع خواصیست که از محل گرانی دلار منتفع می‌شوند و متأسفانه دولت چشم‌هایش را می‌بندد؛ گفت: دولت پیگیر ارزشهای پتروشیمی و نفت که باید از خارج وارد خزانه بانک مرکزی شود، نیست و اجازه می‌دهد دلار از کانال ۶۰ هزار تومان به ۹۲ هزار تومان برسد. حتی اجازه می‌دهد سرمایه‌داران مواد اولیه‌ای را که با ارزشهای کمتر از ۳۰ هزار تومان وارد کرده‌اند تبدیل به کالا کنند و پس از تولید، کالاهایشان را با قیمت دلار ۸۵ هزار تومانی با مردم حساب کنند و در این بین، سودهای افسانه‌ای ببرند. به گفته علیزاده، این مدل از سرمایه‌داری نئولیبرال فقط جیب خواص را پر می‌کند و مردم را هر روز از روز قبل فقیرتر می‌سازد؛ امروز بار اصلی این فقر گسترده بر دوش کارگران شاغل و بازنشسته، معلمان و پرستاران، غیررسمی‌کاران و کارگران فصلی و پاره‌وقت افتاده است. او در پایان گفت: پس نتیجه می‌گیریم پول هست که حقوق نجومی و عیدی و پاداش آن‌چنانی به مدیران شستا و وزارت کار، به وکلای مجلس و مدیران بانک‌ها داده شود؛ پول هست که وام‌های ۹۰۰ ماهه و ۵۰۰ ماهه به مافیای داده شود اما برای

بهبود وضعیت درمانی و معیشتی اکثریت مردم و بازنشستگان پول نیست، ولی برای پرداخت عیدی ۴.۵ کارگر بازنشسته که حقوق ماهانه‌شان یک‌سوم خط فقر است، پول نیست، ولی برای زنان سرپرست خانوار که دیگر با سیلی هم صورت‌شان سرخ نمی‌شود، پول نیست؛ در یک کلام، برای «مردم» پول نیست.

مصاحبه خسرو رنجبر از بازنشستگان متحد تهرانی با خبرگزاری ایلنا:



پولی شدن درمان کارگران شاغل و بازنشسته/ وقتی بیمه‌شدگان قربانی تعلل
دولت و قانون‌گریزی کارفرما می‌شوند!
کد خبر: ۱۶۰۴۱۲۴

محرومیت کارگران شاغل و بازنشسته از خدمات درمانی بیمه در حالی است که حق بیمه‌هایشان در جیب کارفرمایان است. آیا صحیح است که کارگران و بازنشستگان به خاطر بی‌مسئولیتی مدیران تامین اجتماعی و سودجویی و قانونگریزی کارفرمایان، از درمان محروم بمانند؟!

به گزارش خبرنگار ایلنا، این روزها بحث بدهی سنگین تامین اجتماعی به مراکز درمانی و داروخانه‌ها، یک بحث داغ است. در هفته‌های اخیر، پوسترهایی پشت شیشه‌ی برخی داروخانه‌ها چسبانده شد و از پذیرش بیمه‌شدگان تامین اجتماعی بابت عدم پذیرش بیمه عذر خواسته شد. بیمه‌شدگان برای درمان به بخش دولتی و خصوصی مراجعه کردند و دست خالی برگشتند.

تامین اجتماعی مدعی شده بخشی از بدهی خود به مرکز درمانی را پرداخته اما گویا در انتظار تهاتر بخش دیگری از این بدهی با مطالباتی‌ست که از دولت دارد؛ اما به گفته «خسرو رنجبر» فعال صنفی بازنشستگان تامین اجتماعی، این فقط دولت نیست که بدهی خود به تامین اجتماعی را نمی‌پردازد و این بدهی به مرز هزار همت نزدیک شده، بلکه کارفرمایان نیز از پرداخت بدهی‌های بیمه‌ای به تامین اجتماعی فرار می‌کنند. فرار بیمه‌ای کارفرمایان بخش‌های مختلف، یک چالش اساسی در تامین اجتماعی‌ست و رنجبر در این رابطه می‌گوید: هر ماهه از حقوق ناچیز کارگران حق بیمه کسر می‌شود اما تامین اجتماعی چنانچه کارفرمایی پول حق بیمه کسر شده از حقوق کارگری را به تامین اجتماعی پرداخت نکند از دادن خدمات به کارگر خودداری کرده و بیمه‌اش را قطع می‌کند؛ این در حالی است که کارفرمایان نه تنها در این خصوص بازخواست نمی‌شوند بلکه به عناوین مختلف از امتیازهایی هم برخوردارند از جمله تخفیفات و معافیت‌های بیمه‌ای و مهمتر اینکه برای این نپرداختن حق بیمه‌ها و استتکاف از اجرای قانون، جریمه‌ای هم به آنان تعلق نمی‌گیرد. این فعال صنفی بازنشستگان تاکید می‌کند که اگر کارفرمایان بدهی سنگین خود به تامین اجتماعی را بپردازند، تامین اجتماعی می‌تواند بدهی خود به مراکز درمانی را تسویه کند و از عدم ارائه خدمات به کارگران شاغل و بازنشسته جلوگیری نماید. به گفته اسماعیلی، سرپرست مدیریت درمان تامین اجتماعی استان مرکزی در برنامه زنده «رو در رو»: «بدهی کارفرمایان به سازمان تامین اجتماعی ۱۱۴ همت است که شش

برابر بدهی سازمان تامین اجتماعی به مراکز درمانی است.» رنجبر با تاکید بر اینکه این اخبار و اطلاعات دردناک است و سویه تلخ واقعیت را به نمایش می‌گذارد؛ گفت: در روزهایی که هر روز سیاهه مراکز درمانی که با تامین اجتماعی قطع ارتباط می‌کنند، طولانی‌تر می‌شود و کارگران و بازنشستگان با مشکلات زیادی در حوزه درمان دست به گریبان هستند، ناتوانی یا عدم تمایل تامین اجتماعی برای گرفتن مطالبات خود از دولت و کارفرمایان، آزاردهنده است. او ادامه داد: محرومیت کارگران شاغل و بازنشسته از خدمات درمانی بیمه در حالی است که حق بیمه‌هایشان در جیب کارفرمایان است. آیا صحیح است که کارگران و بازنشستگان به خاطر بی‌مسئولیتی مدیران تامین اجتماعی و سودجویی و قانونگریزی کارفرمایان، از درمان محروم بمانند؟! این بازنشسته می‌پرسد: به راستی چرا دولت، سازمان بازرسی کل کشور، وزارت کار، بازرسی تامین اجتماعی و دیگر نهادهای نظارتی چشم بر این اجحاف بسته‌اند و سکوت کرده‌اند؟! رنجبر در پایان تصریح می‌کند: سیاست‌های سرمایه‌داری نئولیبرال در حوزه درمان و تامین اجتماعی یک هدف مشخص دارند: نابود کردن سازمان بین‌النسلی تامین اجتماعی و خدمات درمانی رایگان آن. می‌خواهند کارگران و بازنشستگان برای کوچک‌ترین خدمتی که می‌گیرند پول بپردازند؛ در نظر بگیرید که آزادسازی قیمت داروها و حذف ارز دولتی آن‌ها نیز بخشی از همین سیاست‌های نئولیبرال است؛ درمان باید تا جای ممکن «پولی» شود و بیمه معنا و کارکرد خود را از دست بدهد؛ در واقع هدفشان چیزی جز این نیست.

منشور جهانی حقوق سندیکایی کارگران

آزادی فعالیت سندیکایی کارگری

سندیکاهای کارگری حق دارند از محل ثابتی که مناسب با فعالیت آن‌ها باشد، برخوردار باشند و از مقامات دولتی بخواهند که چنین محلی را در اختیارشان قرار دهند. اداره محل سندیکاها یا اماکنی که به آن‌ها واگذاری می‌شود، حق کارگران است. اما مصونیت این اماکن باید تضمین شود.

مصاحبه مازیار گیلانی نژاد مسوول سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران با خبرگزاری ایلنا

چرا افزایش دستمزد با «نظرسنجی»؟! / فقط قانون را اجرا کنید .

کد خبر : ۱۵۹۱۵۱۶

به گزارش خبرنگار ایلنا، «مازیار گیلانی نژاد» فعال کارگری خطاب به وزیر کار می‌گوید: قانون را اجرا کنید، لطفاً فقط قانون را اجرا کنید!

ماجرای یک نظرسنجی برمی‌گردد، چند روز پیش، احمد میدری (وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی) از کارشناسان کارفرمایی و کارگری حوزه روابط کار و پژوهشگران این حوزه خواست تا نظرات خود را درباره شیوه افزایش حداقل دستمزد سال آینده به وزارت کار ارسال کنند. میدری اعلام کرد که با توجه به اهمیت موضوع، از همه کارشناسان حوزه کار و کارگری، کارفرمایان و نهادهای کارگری دعوت می‌شود تا نظرات کارشناسی خود را تا تاریخ ۲۰ بهمن ماه به نشانی مورد نظر ارسال کنند و تاکید کرد که «این نظرات در جلسات شورای عالی کار که از پیش آغاز شده، بررسی خواهد شد تا شیوه‌ای جدید و متفاوت برای تعیین دستمزد کارگران در سال ۱۴۰۴ ایجاد شود»

این «شیوه جدید و متفاوت» برای تعیین دستمزد چیست؟ مگر قانون به صراحت همه چیز را مشخص نکرده؛ چرا تعیین دستمزد با نظر سنجی؟!

گیلانی نژاد در این رابطه می‌گوید: طی دو ماه گذشته وزیرکار اظهاراتی کرده‌اند که نشان از آن دارد که ایشان قانون را نمی‌دانند. ایشان ایمیلی را اعلام کرده و خواستار نظرسنجی در مورد افزایش دستمزد شده‌اند! مگر ما قانون اساسی و قانون کار نداریم که باید با نظرسنجی افزایش حداقل حقوق را انجام داد؟ به گفته وی، شوربختانه سالهاست کسانی عهده‌دار وزارت کار می‌شوند که تخصص حقوقی در زمینه روابط کار ندارند و گویا مسیر گریز از قانون در دولت جدید همچنان ادامه دارد! این فعال کارگری ادامه داد: قانون اساسی به عنوان تعیین کننده حقوق ملت و وظایف حاکمان با مردم تدوین شده و در آن به ویژه در فصل

حقوق ملت در اصل ۳ بند ۱۲ تاکید شده «پیریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه» وظیفه دولت است و در اصل ۴۳ قانون اساسی بند ۱ تاکید دوباره ای بر «تامین نیازهای اساسی شامل مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه» شده است. گیلانی‌نژاد با بیان اینکه «هر قانون، آیین نامه یا بخشنامه‌ای که صادر می‌شود، حق نقض این اصول را ندارد» گفت: آقای میدری بگوید مزد منطقه‌ای و یا نظرسنجی‌های غیرقانونی در کجای قانون اساسی و یا قانون کار قرار دارد؟ او افزود: تاکنون نه تنها بند ۱۲ از اصل ۳ قانون اساسی در خصوص ایجاد رفاه و رفع فقر نادیده گرفته شده و در حال حاضر بیش از ۶۰ میلیون ایرانی را همین نادیده گرفتن قوانین به زیر خط فقر برده و دستمزد کارگران را ۴ برابر زیر خط فقر به صورت غیرقانونی مصوب کرده‌اند بلکه همچنان به دلیل اصرار نمایندگان کارفرمایی تلاش دارند این دره فقر را با سیاست‌های ضدکارگری خود عمیق‌تر کند. از سوی دیگر وزیر کار نمی‌داند که حداقل حقوق به معنای این است که هیچ کارگری نباید کمتر از از این دستمزد دریافت کند آن هم بر طبق اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی. این فعال کارگری با تاکید بر اینکه «نیازی به مزد منطقه‌ای یا مزد اصناف نیست و قانون چنین مولفه‌هایی را برای حداقل دستمزد به رسمیت نمی‌شناسد» تصریح کرد: در رابط با مزد منطقه‌ای یا صنفی که ایشان مطرح می‌کنند و سالهاست کارفرمایان برای نابودی معیشت زحمتکشان بر آن اصرار دارند، باید یادآور شد که اگر می‌خواهید حقوق کارگرانی را که در مناطق سخت کار می‌کنند و یا شرایط شغلی طاقت فرسایی دارند افزایش دهید، در قانون کاری که شما باید مجری آن باشید، طبقه بندی مشاغل و موضوع مشاغل سخت و زیان‌آور تعریف شده تا اینگونه کارگران دستمزدی مناسب حال خود دریافت کنند که شوربختانه هم وزارت کار و هم کارفرمایان از اجرای این قانون سرپیچی کرده و باعث اعتراضات گسترده در صنایع مختلف از جمله خودروسازی‌ها و صنعت نفت و گاز شده‌اند. گیلانی‌نژاد ادامه می‌دهد: آقای وزیر! به جای اینگونه ترفندها، قانون کار را کامل اجرا کنید، ماده ۴۱ و بندهای آن را و طبقه بندی مشاغل و همچنین قانون سخت و زیان‌آور را در سراسر کشور اجرا کنید تا هر کسی به فراخور کار و تخصص و شرایط کاری خود، دستمزد مناسب دریافت کند. بند دوم ماده

۴۱ همه باید‌ها را مشخص کرده، دستمزد باید به اندازه سبد معیشت باشد، حرف و گفتگویی باقی نمی‌ماند. او در پایان باز هم تاکید می‌کند که «قانون را اجرا کنید، هیچ نیازی به فراخوان و نظرسنجی نیست!»

چرا با بیمه های تکمیلی مخالفیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، متنی از آقای محمودیان عضو هیات مدیره کانون بازنشستگان مشهد به دستمان رسیده است که برای علاقمندان منتشر می‌کنیم: ۱- بیمه های مکمل باعث می‌شود بیمه پایه از انجام تعهدات خود شانه خالی کند ۲- نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که طرح‌های بیمه مکمل و بیمه طلایی در واقع راه‌هایی برای درآمدزایی شرکت‌های بیمه‌گر هستند. این طرح‌ها به نوعی ماهیت بیمه پایه را تضعیف کرده و مطالبه‌گری بیمه‌شدگان از حقوق خود نسبت به بیمه پایه را کمرنگ می‌کنند. ۳- وقتی بیمه گزار چه بازنشسته و چه شاغل در واقع قراردادی با بیمه پایه برای درمان دارد، مجبور به پرداخت مبالغی در طرح‌های بیمه‌ای دیگر می‌شود، این چه معنایی دارد؟ ۴- این امر باعث می‌شود بیمه پایه از انجام تعهدات خود شانه خالی کند.

ما به عنوان نمایندگان بازنشستگان باید به سمتی برویم که سازمان را موظف کنیم بر اساس قانون الزام به وظیفه قانونی خود عمل کند. اگر زیر ساخت‌های سازمان برای اجرای این تعهدات آماده نیست، که در واقع نیست، باید صد درصد مبلغ بیمه تکمیلی را خود سازمان پرداخت کند، نه اینکه باز بیمه‌های مکمل دیگری بگیریم و هزینه دیگری بر بازنشستگان تحمیل کنیم بنابراین نباید مطالبه‌گری قانونی خود را در جهت اجرایی شدن قانون الزام درمان کمرنگ کنیم.

**محمودیان عضو هیات مدیره کانون بازنشستگان تامین اجتماعی
مشهد**

بازنشستگان ضایعات جمع کن شده اند!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، فیلمی در شبکه مجازی پخش شد که در آن رییس دولت آقای پزشک‌یان در مواجهه با شهروند بازنشسته ای را نشان می دهد که به دلیل کافی نبودن مستمریش به جمع کردن ضایعات روی آورده است.

اینکه پس از ۴۶ سال شعار عدالت دادن کار به جایی رسیده است که بازنشسته باید برای کفاف زندگیش ضایعات جمع کند مدالی ننگینی است که به گردن روسای دولت و برنامه ریزان اقتصادی تا ابد آویخته خواهد شد. البته در این جامعه هستند افرادی که ۶ میلیون دلار برای خرید خانه می دهند و یا مجلس مصوب می کند تا افرادی که خودروی بیش از ۵ میلیارد تومانی وارد می کنند از مالیات معاف و از این نظام خرسند بوده و به خانه خرابی این کشور شادمان باشند. البته موضوع جمع آوری ضایعات توسط بازنشستگان را آقای مجیدی عضو هیات مدیره کانون بازنشستگان تهران بهتر می تواند توضیح دهد چرا که یکی از بازنشستگانی را که اعضای هیات مدیره کانون به پلیس امنیت معرفی کرده بودند در یکی از روزهایی که آقای مجیدی به محل کار توطئه آمیز خود می رفت دید که چگونه ضایعات در دست و خسته کنار خیابان نشسته است.

سیاست های نئولیبرالیستی ضد مردمی و بی عرضگی کانون های بازنشستگی و باند بازی کانون عالی بازنشستگان نتیجه اش می شود اینکه بازنشسته برای خرجی خانه اش به ضایعات جمع کنی روی آورده و هیات مدیره کانون بازنشستگان کارخانه به کارخانه های خود بیفزایند.

زحمتکشان اگر ضایعات جمع کن هم بشوند دست از خواسته های بر حق خود بر نخواهند داشت حتما اگر به پلیس امنیت معرفی شوند و به زندان هم بیفتند. این را هم مافیای کانون های بازنشستگی بدانند و هم مافیای لانه کرده در دولت که زحمتکشان دست از مطالبه های قانونی خود بر نخواهند داشت.

بازنشستگان متحد تهرانی

افشاگری وزیر کار یا؟!؟!؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، وزیرکار در جلسه ای با بازنشستگان کشوری که فیلم آن موجود است خطاب به آنان چنین افشاگری نمود: «... امروز به اراده یک نفر شما می توانید هر کسی را مدیرعامل مهمترین شرکت های ایران بکنید.... بازنشستگان در سراسر کشور خرید اقساطی می کنند اما این اقساط به جای واریز به شرکت قسطی دهنده صرف پرداخت حقوق عده ای در جای دیگر می شود.... شما در جریان نیستید که مبلغ پرداخت شده از بیمه تکمیل درمان شما پول کسر می شود اما در جای دیگری به جای بیمه تکمیل خرج شده است...» پرسشی که به ذهن خطور می کند که چرا آقای میدری به جای افشاگری، این مافیا را به قوه قضاییه و یا دستگاه امنیتی معرفی نمی کند تا اصلاح صورت بگیرد؟؟ چرا هم ایشان و هم دیگر مسوولین ژست اپوزیسیون می گیرند؟ آیا این ژست ها برای این نیست که کارهای غیرقانونی خود را پنهان کنند؟؟ و یا در وظایف خود عمدن قصور ورزند؟؟ کارگران می گویند اگر راست می گویی در شورای عالی تعیین حداقل دستمزد طرف مافیا را نگیر و اجازه بده طبق ماده ۴۱ مزد تعیین بشود کاری که موظف به انجام آن هستی. یا تلاش کن پول بیمارستان های فروخته شده به دولت را به صندوق تامین اجتماعی برگردانی و اگر نمی توانی، حداقل این بیمارستان ها را به سازمان تامین اجتماعی برگردان تا بیمه شده این همه در صف انتظار نماند. در بیمارستان هایی که یک طبقه خود را به مافیا و ثروتمندان اختصاص داده اند مانند بیمارستان میلاد، آن را به بیمه شده ها باز گردانید. چرا اجازه داده اید حق بیمه کارگران به جای صندوق تامین اجتماعی به اداره دارایی ریخته شود؟؟ و یا اینکه حقیقت دارد هر ماهه ۷۸ میلیون تومان به طور غیرقانونی به میرهاشم موسوی مدیرعامل سابق تامین اجتماعی همچنان از جیب کارگران و بازنشستگان داده می شود؟؟ بخور بخور در تامین اجتماعی و وزارت کار به ویژه در بخش بازرسی را می بینی بعد جلسه تحقیق برای بازنشستگان کشوری می گذارید؟؟ همه مردم ایران می دانند که با وجود بی لیاقت هایی چون مدیران دولتی، مافیا از جیب مردم ایران هر روزه می دزد و کسی هم دم بر نمی آورد. بدهی به داروخانه ها، کش رفتن بیمه عمر بازنشستگان، قطع همکاری مراکز درمانی با بیمه پردازان تامین اجتماعی بخشی از عدم نظارت وزیرکار در خصوص اندوخته های زحمتکشان است.

شفاف سازی خواست همه زحمتکشان در خصوص عملکرد اداری مالی مدیران تامین اجتماعی و وزارت کار و مدیران شستا در زمینه درآمدها و هزینه هاست.

امپراتوری دروغ: «دولت پول ندارد»

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، روسای مجلس، تامین اجتماعی، وزارت کار، کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی، یک صدا می گویند: «دولت پول ندارد» آیا این گفته حقیقت دارد؟؟ با توجه به اختصاص ۸ میلیارد دلار برای تهیه قطعات خودروهای لوکس، ۴ میلیارد دلار واردات طلا، ۵/۳ میلیارد دلار واردات خودروی دست دوم که همگی برای تامین منافع مافیای فعال در عرصه خودرو و ارز و طلا می باشد و ربطی به ۸۵ میلیون ایرانی درگیر فقر ندارد.

۵/۳ میلیارد دلاری که برای واردات خودروی دست دوم اختصاص یافته از گلوله ۸۵ میلیون ایرانی بریده شده است. چرا؟؟ بودجه ۱۵ میلیارد دلاری غذا و داروی سال گذشته نه تنها افزایش نیافته تا فقر کمتری نصیب ۸۵ میلیون ایرانی گردد بلکه ۵/۳ میلیارد دلار از آن کم کرده اند تا مافیای خودرو به قیمت فقیرتر کردن مردم و بی دارو ماندن مردم، سودهای نجومی کسب کنند. امپراتوری دروغ، حتا پیگیر ارزهای پتروشیمی و نفت که باید از خارج وارد خزانه بانک مرکزی شود، نیست و اجازه می دهد دلار از کانال ۶۰ هزار تومان به ۹۲ هزار تومان برسد. حتا اجازه می دهد سرمایه داران تمامی مواد اولیه ای را که با ارزهای کمتر از ۳۰ هزار تومان وارد کرده اند را پس از تولید کالاهایشان، با قیمت دلار ۸۵ هزار تومانی با مردم حساب کنند و سودهای افسانه ای ببرند.

تمامی قوانینی که علیه مردم تصویب می شود برای پر کردن جیب مافیای سرمایه داری نئولیبرال است. پول هست، اما برای خرید بنزین هواپیما از قاچاقچیان توسط وزیر نفت هزینه می شود به جای آنکه قاچاقچیان را به دادگستری معرفی کند. پول هست، که حقوق نجومی و عیدی به مدیران تامین اجتماعی و وزارت کار، وکلای مجلس، استانداران، مدیران بانکها داده شود. پول هست که وام های ۹۰۰ ماهه و ۵۰۰ ماهه به مافیا داده شود اما برای بهبودی وضعیت درمانی و معیشتی ۸۵ میلیون ایرانی نیست

پول هست فقط برای مافیا نه برای ۸۵ میلیون ایرانی!

۸۰۰ میلیون حق جلسه!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، دوشنبه ۲۹ بهمن جلسه گزارش دهی هیات مدیره کانون قزوین در خصوص بیلان مالی بود. در این جلسه اعلام شد بیش از ۸۰۰ میلیون از جیب بازنشستگان قزوینی به اعضای بی عرضه کانون قزوین پرداخت شده است و این سوای حقوقی است که اینان به دلیل خالی کردن پشت بازنشستگان می گیرند. همانطوری که در این گزارش اعلام کرده اند ۱۴ نفر هیات مدیره و بازرسین تقریباً امسال هر نفر ۶۰ میلیون حق جلسه گرفته اند. البته به جز ۳ الی ۴ نفر بقیه اعضای هیات مدیره نخودی تشریف دارند و کاری نمی کنند به جز بله قربان گویی. البته قضیه به همین جا ختم نشد بلکه همچنین ۱۴۰ میلیون هم برای تشویق به اهمال کاری باز هم از جیب بازنشستگان، خودشان به خودشان عیدی دادند. البته باید بدانیم که این حق جلسه ها و عیدی ها را که خودشان به خودشان دادند در هیچ مجمع عمومی به تصویب بازنشستگان نرسیده است. البته این موارد به جز هزینه های رفت و آمد و نهار و غیره است. قابل توجه اینکه، اینجا که قزوین است ببینید در تهران چه بخور بخوری است. در کانون عالی که در پول بازنشستگان غلت می زنند. اما دو موضوع اول: بازنشستگان قزوینی می پرسند واقعاً عملکرد مثبت این افراد برای بازنشستگان طی امسال چه بوده است؟؟ عیدی که هنوز پرداخت نشده، وضع حقوق ها هم که همچنان ۴ برابر زیر خط فقر است و ۴۰۰ قلم دارو هم که از دفترچه های بیمه پر کشیده و الان هم که خیلی از مراکز درمانی و داروخانه ها با تامین اجتماعی قطع همکاری کرده اند. آیا برای این خدمات شایان!!! باید عیدی و حق جلسه گرفت؟؟؟

دوم: طبق قانون سازمان تامین اجتماعی هر بازنشسته ای که مشغول به کار شود باید حقوقش قطع شود یعنی اینکه بازنشسته حق کار کردن و حقوق گرفتن ندارد. پس چطور می شود با این کارمندان تحمیل شده به بازنشستگان برخورد قانونی نمی شود؟؟

بی قانونی در کانون های بازنشستگی موج می زند. بازنشستگان متحد قزوین

کارفرمایان، نور چشم همه دولت‌ها!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، هر ماهه از حقوق ناچیز کارگران حق بیمه کسر می‌شود. اما تامین اجتماعی چنانچه کارفرمایی پول حق بیمه کسر شده کارگری را به تامین اجتماعی پرداخت نکند از دادن خدمات به کارگر خودداری کرده و بیمه‌اش را قطع می‌کند. این در حالی است که کارفرمایان نه تنها در این خصوص بازخواست نمی‌شوند بلکه به عناوین مختلف از امتیازهایی هم برخوردارند از جمله تخفیف و مهمتر اینکه برای این نپرداختن حق بیمه‌ها جریمه‌ای هم به آنان تعلق نمی‌گیرد.

از سوی دیگر همین کارفرمایان به گفته سرپرست مدیریت درمان تامین اجتماعی استان مرکزی آقای اسماعیلی در برنامه زنده «رو در رو» اعلام کرد: «بدهی کارفرمایان به سازمان تامین اجتماعی ۱۱۴ همت است که شش برابر بدهی سازمان تامین اجتماعی به مراکز درمانی است»

در روزهایی که هر روز نام مراکز درمانی که با تامین اجتماعی قطع ارتباط می‌کنند، افزایش می‌یابد و کارگران و بازنشستگان با مشکلات زیادی برای موضوع در عذاب هستند. این در حالی است که حق بیمه‌هایشان در جیب کارفرمایان است. آیا صحیح است که کارگران و بازنشستگان به خاطر بی‌مسئولیتی مدیران تامین اجتماعی و کارفرمایان عاری از شرافت، از درمان محروم بمانند؟؟؟

چرا دولت، بازرسی کل کشور، وزارت کار، بازرسی تامین اجتماعی و دیگر نهادهای نظارتی چشم بر این اجحاف بسته‌اند؟؟ مافیای لانه کرده در دولت با سیاست‌های سرمایه‌داری نئولیبرال می‌خواهد تامین اجتماعی نابود و کارگران و بازنشستگان را در فلاکت ببیند.

پاسخ به این مافیا را در یکشنبه‌های اعتراضی خواهیم داد و مدیران بی‌عرضه و پدرسوخته کانون‌های بازنشستگی را باید به زیر کشید.
بازنشستگان متحد تهرانی

عیدی کارگران و عیدی هیات مدیره ها!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در مجمع عمومی عادی سالیانه گروه سرمایه‌گذاری توسعه صنایع تکمیلی پتروشیمی خلیج‌فارس، طبق مصوبه این مجمع عمومی به هر کدام از اعضای هیات مدیره یک میلیارد تومان ناقابل عیدی داده شد. در نظر بگیرید زمانی که قرار است به کارگران ارکان ثالث، کارگران روی سکوی صدر نفت، کارگران و کارمندان شرکت نفت و گاز و پتروشیمی ها عیدی بدهند که هیچگاه به ۵۰ میلیون تومان نمی‌رسد. یعنی عیدی تولیدکنندگان همین یک میلیارد ها، باید با عضو هیات مدیره این همه فاصله داشته باشد؟؟ ارزش کار یک عضو هیات مدیره با کارگر سکویی که در توفان زمستانی و پاییزی دریا و گرمای بالای ۵۵ درجه با رطوبت بالا، چه میزان است؟؟ هیات مدیره ای که در ماه سر جمع ۶۰ ساعت جلسه ندارد آن هم زیر کولر و با پروازی که هزینه اش پرداخت شده و ناهار و صبحانه و میوه هم همه رقمه موجود می باشد. کارگران پروژه ای که حتا همان ۵۰ میلیون هم گیرشان نمی آید هیچ نمی گوئیم که پیمانکاران دغلکار حتا دستمزدشان را هم بالا می کشند. اینکه چنین راحت یک میلیارد تومان هر عضو هیات مدیره می گیرد به این دلیل است که نگذارند کارگران به طبقه بندی مشاغل و حذف پیمانکاران از عرصه های نفت و گاز، دستمزد مطابق زحمت شان دست یابند.

باز هم می گویند پول نیست. پول هست اما برای زحمتکش نیست

مافیا همه کاره شرکت نفت!!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، پس از اظهارات وزیر نفت در خصوص خرید بنزین از قاچاقچیان، در چند روز اخیر پرونده گم شدن روزانه ۲۰ میلیون لیتر بنزین هم رو نمایی شد. (خبرگزاری ایلنا) گم شدن پرونده ۲۰ میلیون لیتر بنزین هم از آن حرف هاست. مگر یک برگ کاغذ روی میز یک کارمند ساده هست که گم شده است؟؟؟ گم شدن این پرونده نشان دهنده این است که مافیا در بالاترین ارکان کشور و با همدستی عالی ترین مقام ها دست به چنین دزدی زده است. از سوی دیگر گم شدن روزانه ۲۰ میلیون لیتر بنزین که ثروت ملی است و می تواند پولش اگر سرانه به مردم تخصیص یابد گره زیادی از مشکلات مردم را باز کند، به جیب مافیا می رود. واقع چشم همه مسوولین روشن. دزدی آنهم جلوی چشم وزارت نفت و سایر ارگان ها. این دزدی های آشکار در حالی در وزارت نفت صورت می گیرد که مدیران وزارت نفت در مقابل خواسته های کارگران ارکان ثالث و دیگر کارگزارانش برای بالا بردن دستمزدها، اجرای طبقه بندی مشاغل به شدت مقاومت می کنند. و هزاران جلسه برای پرداخت نکردن حق و حقوق کارگران برگزار و چهار چشمی مراقبت که کارگر نان راحتی به خانه نبرد. از لوله کشی ۲ کیلومتری به دریا برای دزدی گازوییل تا حماسه معامله وزیر نفت با قاچاقچیان باید به گم شدن روزانه ۲۰ میلیون لیتر بنزین، این ثروت مردم ایران برسیم. این وزارت خانه نیست لانه مافیا و دزدان است. وزاری حامی ثروتمندان در شورای عالی کار برای ریال ریال افزایش دستمزد کارگران، خود را پاره می کنند اما اجازه می دهند شتر با بارش گم شود. سرمایه داری نئولیبرال نه وطن پرست است و نه دغدغه قانون دارد او فقط به جیب خود می اندیشد. او خواستار دور زدن قانون، محو قانون کار و ماده ۴۱، اصل ۳ و ۴۳ و ۲۹ قانون اساسی است. او تلاش دارد با وزرا، وکلا و همه غلامان حلقه به گوشش با دور زدن قانون و ابلاغ بخشنامه های غیرقانونی زحمتکشان را خانه خراب سازد. از سوی دیگر مافیا همه منابع ثروت ایران را متعلق به خود دانسته و به

همین دلیل هرگونه دزدی و اختلاس را برای خود مجاز می‌داند و اطمینان دارد دزدان دیگر در لایه‌های حکومت به او در این دزدی کمک خواهند کرد.

بیا بیرون رفیق

خطر کن،

با پول خردی که دیگر پول نیست،

یا جای خوابی که زیر باران است،

و با کاری که فردا از دستش خواهی داد،

پا به خیابان بگذار، به جنگ!

برای صبر کردن خیلی دیر شده است

به یاری ما بیا

تا به خود کمک کرده باشی

همبستگی کن!

بیا بیرون رفیق، در برابر اسلحه‌ها از حق ات دفاع کن.

اگر پی ببری که چیزی برای باختن نداری،

پلیس‌ها اسلحه کم خواهند آورد.

پا به خیابان بگذار! به جنگ!

برای صبر کردن خیلی دیر شده است

به یاری ما بیا تا به خودت کمک کرده باشی،

همبستگی کن. برتولد برشت

دست نوشته یک جراح چشم‌پزشک

از خوزستان آمده بود. سلام کرد و پشت اسلیت نشست. جواب سلامش را گفتم و به معاینه مشغول شدم. دید چشم چپش در حد درک نور، کاتاراکتی بسیار پیشرفته!

🍏 *سنات چقدره؟! چه مدتی چشمت اینجوری شده؟!*

- *۱۶ ساله، از بچگی دیابت داشتم، چند ماهیه که کُن نمی‌بینم!*

🍏 *به جوان همراهش که ده - دوازده سالی بزرگتر از او بود رو کردم: چرا اینقدر دیر؟!*

سرش را پایین انداخت و گفت: حالا میشه کاری براش کرد؟!

🍏 *گفتم عملش می‌کنم، موفقیت در درمان بستگی به وضعیت شبکیه دارد. زودتر آورده بودید شانس موفقیت بیشتر بود.*

نگاهی حسرت بار به پسرک کرد و نگاهی به برگه پذیرشی که برایش می‌نوشتم، سؤالش را از چشمان نگرانش خواندم!

🍏 *گفتم پذیرشش را برای بیمارستان دولتی نوشتم. هزینه زیادی ندارد نگران نباشید.*

انگار دنیا را به او داده باشند، گفت خدا خیرت بده آقای دکتر

🍏 *گفتم فقط عمل ایشان خاص است و باید برای عمل رضایت مخصوص بدهید، خودش و ولی او.*...

گفت غیر از من کسی همراهش نیست!

🍏 *خواستم بیرسم نسبت شما؟ چشمم به پسرک افتاد که با پشت آستین اشکش را پاک می‌کرد، لذا نپرسیدم!*

🍏 *پسرک را برای ریختن قطره و آماده شدن جهت معاینات تکمیلی به اتاق مجاور فرستادم تا با خیال راحت پاسخ سئوالات و فضولیهای گل کرده‌ام را بجویم.*

🍏 *عمل شروع درمان است، بخاطر دیابتش باید تحت نظر باشد و کارهای لازم روی شبکه انجام شود، چرا اینقدر دیر مراجعه کردید؟! پدر و مادرش؟! نسبت شما با او؟!*

همراهش گفت: این پسر در فقر مطلق است، پدرش فوت شده و خانواده به سختی توان سیر کردن شکم فرزندان‌شان را دارند. نسبت قومی با او ندارم، معلمش هستم. چند روزی مرخصی بدون حقوق گرفتم تا پی درمان او باشم.

🍏 *برای لحظه‌ای خشکم زد، زمان لحظاتی برایم متوقف شد!*

-*گفت هزین‌هاش؟!*

🍏 *گفتم مشکلی نیست، با خودم!*

🍏 *در دلم تحسین همت بلند این معلم جوان بود و بر دستانم شرمی که قلم را روی برگ پذیرش به حرکت درآورد! نوشتم "رایگان!*"

🍏 *فردا روز عمل شد و از اقبال خویش لنز مرغوبی که از قبل داشتیم و مناسبش بود، در چشمش گذاشتم. ذهنم مشغول او بود و فکرم در گرو روح بزرگ انسانهایی گمنام و امروز عصر که پانسمان از چشمش بر میدارم...*

🍏 *پانسمان را برداشتم، آرام و با ترس چشمانش را باز کرد. سری در اتاق گردانید و بعد آن نگاهی به من و نگاهی به جوان همراهش: آقا دارم می‌بینیم، آقا دارم می‌بینیم*.

اشک آقا معلم سرازیر شد. با سر و چشم نگاهی به من انداخت و زیر لب گفت: تشکر و پسرک را بغل کرد و سرش را بوسید.

موقع رفتن گفت: خدا را شکر که شما را سر راه ما گذاشت تا چشم این پسر...

🍏 *اشتباه می‌کرد. در این وانفسایی که کمتر خیر خوبی از جایی می‌رسد، خدا او را سر راه معلمش گذاشته بود تا منجی چشم پسرک باشد*!

عشق یعنی نان ده و از دین مپرس

در مقام بخشش از آیین مپرس

من، دکتر سیدمحمد میرهاشمی شهادت می‌دهم که معلمان مهربانترین و صادق‌ترین قشر جامعه ما هستند.

**آموزش و پرورش و درمان رایگان، مسکن ارزان قیمت،
حق همه انسانهای روی زمین است.**

**همه آحاد مردم ایران باید از ثروت عمومی سهم شان
پرداخت شود.**

هشت مارس روز تجلیل از زنان موفق نیست!

در دفاع از هشت مارس و آرمان برابری جنسیتی

هشت مارس روز جهانی زن است. روز جهانی رهایی زن است. اگرچه رسانه‌های جریان اصلی سرمایه‌داری، در این سال‌ها این روز را به روز چهره‌های برتر زنان تحریف کرده‌اند و آن را به صد زن و زن موفق و زن برتر و... فروکاسته‌اند؛ اما هشت مارس ربطی به موفقیت‌های فردی ۱۰ زن و صد زن ندارد، ربطی به مارگارت تاچر و ایندیرا گاندی و آنگ سان سوچی و گرتا تونبرگ و نظایرشان آن‌طور که بر جلد تایم نقش می‌شوند، ندارد. هشت مارس روز جهانی توده‌های ربطی به صد زن برنامه‌های بی‌بی‌سی ندارد. هشت مارس روز جهانی توده‌های زنان است، روز زنان بی‌چهره‌ای است که داستان زندگی‌شان جذابیت رسانه‌ای ندارد؛ چون داستان‌شان تکرار مکررات ستم‌دیدی و محرومیت است. هشت مارس روز زنان کارگر است که در کارگاه‌های کارآفرینان و نیکوکاران و خیرها استثمار می‌شوند. روز زنانی است که در مناسبات سرمایه‌داری نه انسان به حساب می‌آیند و نه صاحب حقوق انسانی. هشت مارس روز یادآوری ضرورت مبارزه برای احقاق حقوق زنان با حرکت‌های جمعی و محور ساختارهای سلطه و ستم است و نه لب‌خند موفقیت‌های فردی. روزی است که به یاد بیاوریم «رهایی زنان» با محور تمام اشکال تبعیض و از طریق فروریزاندن ساختارهای بناشده بر ستم طبقاتی و جنسیتی رقم می‌خورد، نه با پُزهای حمایت‌گرانه دولت‌های نئولیبرال و زیر عنوان رقت‌آور «توانمندسازی» از آن سان که شخصی مثل ایوانکا ترامپ طلایه‌دارش است. توانمندسازی زنان این عنوان فریبنده و دروغین، اسم رمز فقیرماندن و جنس دوم بودن زنان برای همیشه است. اسم رمز بی‌ارزش‌کردن کار زنان است، اسم رمز استثمار نوین نیروی کار است. ترفندی برای فراموش‌کردن آرمان رهایی زنان و پذیرش وضع موجود است. حقه‌ای است برای تن‌دادن و تسلیم در برابر نابرابری‌های جنسیتی و طبقاتی. تاریخچه هشت مارس اما به ما می‌گوید، نابرابری در تمام اشکال آن غیرقابل تحمل است؛ می‌گوید زنان به خیریه و صدقه توانمندسازان چه دولت باشد، چه سرمایه‌داران کلان و خرده‌پا، نیاز ندارند؛ بلکه سهم واقعی‌شان را از

منابع این جهان غارت‌شده می‌خواهند. سهم‌خواهی زنان و احقاق حقوق پامال‌شده‌شان، کابوس نظام‌های ستمکار در سراسر گیتی است؛ از این روست که تلاش می‌شود این حرکت عظیم صدساله، زیر لبخند رضایت‌آمیز و پیروزمند چهره‌های مشهور زن پنهان شود و از محتوای اصلی‌اش تهی شود. آنان که مبارزه برای آرمان برابری جنسیتی را به اراده فردی زنان برای کسب موفقیت فرومی‌کاهند، هدفشان آگاهانه یا ناآگاهانه پنهان‌کردن ساختار اقتصادی و سیاسی است که نابرابری‌های اجتماعی را بازتولید می‌کند و فرادستان را بر فرودستان مسلط کرده است. چنین رویکردی که اراده فردی را در برابر اراده جمعی تجلیل می‌کند، نهایتاً تقصیر ناکامی و محرومیت را به دوش خود زن می‌گذارد تا پرسشی متوجه ساختارهای مسئول وضع موجود نشود؛ اما جنبش زنان واقعی معطوف به رهایی، مستقیماً همدستی مردسالاری و سرمایه‌داری را مسئول فرودستی زنان می‌داند و مبارزه در این هر دو جبهه را برای حصول برابری جنسیتی ضروری می‌شمارد. هشت مارس یادآوری ضرورت چنین مبارزه‌ای است.

دکتر سیمین کاظمی

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران معتقد است:

کارگران سندیکایی می‌دانند که بدون مبارزه همدوش با زنان برای رفع هرگونه نابرابری موفق نخواهند بود. زنان مبارز ایران به‌درستی می‌دانند که برای محو خشونت علیه زنان و ریشه‌های آن، آگاهی‌رسانی به مردان و زنان- به‌خصوص زنان کارگر، کارمند و زنان سرپرست خانوار- در گام نخست سازمان‌دهی مبارزه‌ی متحد علیه برنامه‌های که هرچه بیشتر خشونت دولتی را در عرصه کار رواج می‌دهند اولین گام برای موفقیت در بهبود وضعیت معیشت خانواده است.

گام دوم رواج عنصر آگاهی در جامعه با هدف زدودن انواع خشونت‌ها، ازجمله خشونت ضد زنان، در میهن خشونت‌زده ما است. این امر با مبارزه در راه بهبود وضعیت اقتصادی خانواده‌های کارگری و کارمندی پیوندی مستقیم دارد.

فردا هشت مارس است!

فردا هشت مارس است. روزی که زنان کارگر در سال ۱۹۱۴، در جهان رقم زدند. در همان آمریکای ستمگر!

در دبیرستان تاریخچه اش را خوانده بودم. تا یادم می آید در ایران برای گرامی داشت این روز مخفیانه دور هم می آمدیم از ترس دستگیری و شلاق. هشت مارس برای من زنده شدن خاطره های تلخ گذشته است. نوجوان بودم و دانش آموز دبیرستان شهرام در سیاهکل. اولین مطلبم را در روزنامه دیواری مدرسه نوشتم: «نقدی به انتخاب مادر نمونه در سیاهکل». اتفاق دختر این مادر نمونه منتخب، از دوستان ما بود. ایشان زنی بسیار مهربان، همسر یکی از مالکان و ثروتمندان سیاهکل بود. حاصل دسترنج زنان روستایی تقدیم ایشان می شد و کلفت و نوکر در خانه مجلل آنها فراوان بود. فرزندان ایشان دکتر و مهندس شده بودند و ایشان مفتخر به مادر نمونه.

نزدیک مدرسه ما کلبه گلی زنی بود بیوه که دو فرزند داشت. این زن با کار در مزارع و باغهای دیگران، دو فرزند را به دانشگاه فرستاده بود. در نقد، زندگی این دو زن را تصویر کرده بودم و در انتها پرسیده بودم کدام زن باید مادر نمونه شود؟؟

مدیر مدرسه سراسیمه روزنامه را از دیوار کند و مرا به دفتر خواند. هشدار داد پای ساواک را به مدرسه باز نکنم از همان سال فهمیدم ورود به دنیای ممنوع نقد عواقب خوبی ندارد.

نگرانم که نوشتن از مردم زحمتکش حتادر افول دموکراسی های غرب هم جرم انگاری شود.

مهتاب

دنیای عجیب شده یا من آدم عجیبی هستم؟؟

به مناسبت روز جهانی زن، ۸ مارس!

تو یک روز نیستی

تمام سالی.

تو یک شب

یا یک کتاب و یک قطره نیستی

تو یک نقاشی یا تابلویی بر دیوار نیستی.

اگر دقیقه‌ای نباشی

ساعت‌ها از کار می‌افتند

خانه‌ها برهوت می‌شوند

کوچه‌ها اشک می‌ریزند

پرندگان، سیّه پوش وُ

شعرها هم نیست می‌شوند.

تو فقط باد و باران هشتم ماه مارس نیستی

تو ای دل‌انگیزِ شب‌های تابستانی

گیسوان شب‌های پاییزی

تو ای سوز بوران عشق

تو نباشی

چه کسی باشد؟!

زن، زن، زن، زن

تو زندگی هستی..

شیرکوبیکس شاعر کرد

هدف جنبش زنان کارگر مبارزه برای کسب تساوی اقتصادی و اجتماعی است و نه تساوی ظاهری زنان با مردان. وظیفه اصلی این جنبش عبارت است از آزاد کردن زنان از بردگی خانگی و محیط آزاردهنده، تحمیل کننده و محدود آشپزخانه و پرستاری و سوق دادن آنان به کارهای تولیدی اجتماعی است. لازمه این مبارزه طولانی تغییر ریشه‌ای تکنیک و آداب و رسوم اجتماعی است که تنها با پیروزی کامل یک انقلاب اجتماعی به سود همه مردم به ویژه زحمتکشان، به پایان خواهد رسید.

گل اندام و هشت مارس!

گل اندام، دخترروستایی بلند بالا. با اندامی موزون، سینه‌هایی درشت و خوش فرم، صورتی گرد. لب‌های گوشتالود، چشمان سیاه و مژه‌های بلند با انحنای طبیعی، همه زیبایی‌ها را یکجا دارا بود. تنها ایرادی که داشت، این بود، دخترحسین چپ چشم، کشاورز فقیر محل بود. سومین دختر، در واقع سومین بچه، حسین چپ چشم. حسین غریبه بود. از مهاجرین و از شهر دیگر به محل کوچ کرد. زمین کشاورزی نداشت. قیافه هم نداشت. زنش، دختر خاله اش بود که برخلاف حسین، بلند قد و چشمان زاغی داشت. دختراش به او رفتند.

دخترخاله حسین را تحویل نمی گرفت. اما همه زن های محل می گفتند، کج راه نمی رفت.

حسین سه تا دختر داشت. گل اندام دختر سوم حسین، ۴ سالش تمام نشده بود که او را به عقد حاج عباس در آوردند. مثل خواهرهای دیگرش. دو خواهر بزرگتر گل اندام، به اجبار زن دوم ذبیح و ایرج خان، مباشران ارباب نیکزاد شدند. تحمل می کردند. ظاهرا زندگی بدی نداشتند.

گل اندام بدشانشی آورد. دو سال بعد از ازدواج، حاج عباس سخته کرد و فلج شد. جوان های محل، زن دارها، حتا مومن های دو زن دار....، دور و بر گل اندام می پلکیدند تا گل اندام را تورکنند.

انجمن محل گل اندام را گیرمی داد. مردم پشت سرت حرف می زدند: «این جوری که همیشه. طلاق بگیر، دوباره ازدواج کن»

هر دو شیخ محل به گل اندام نظر داشتند. سیگنال می دادند، حاضرند گل اندام را عقد کنند. وعده و تضمین می دادند: «کار طلاق با ما.»

گل اندام قبول نمی کرد. حاضر به جواب بود: «عرضه دارید، جلوی حرف های مفت را بگیرید. دختر دارم. مثل دسته گل. بدهم درست ناپیری!!»

شایع کردند، که گل اندام، با رمضان رابطه دارد. رمضان، چهل ساله، هیکلی، بزن بهادر محل بود. اتوبوس داشت. مسافر به مشهد می برد. گل اندام مسافر دایمی او بود. زنان در گoshi می گفتند: «زیارت امام رضا بهانه است. گل اندام برای رمضان می رود»

انجمن اسلامی کشیک می داد، رمضان را گیر بیاندازد. جوان های محل، هوشیار بودند. خبر می دادند. انجمن موفق نشد. به دستور شیخ، آدم های انجمن

تا مشهد می رفتند تا رمضان را گیر بدهند. نشد. شانس بد گل اندام، رمضان سرطان گرفت. یک سال طول نکشید، فوت کرد. تشیع جنازه رمضان بود. گل اندام نتوانست خودش را کنترل کند. در تشیع جنازه رمضان اشک می ریخت. شهره، زن عقدی رمضان، گل اندام را دید. عصبانی شد. فحش داد: «هرزه، خجالت نمی کشی! رمضان چی تو بود؟»

درگیر شدند. موهای هم را چنگ گرفتند. گل اندام، کم نمی آورد، بد و بیراه می گفت: «بی عرضه. نا زن... خوشگلی که کم نداری، برو زنانگی یاد بگیر! این یک قلم اصلی را نداری! وگرنه شوهرت دنبال این و آن نبود!»

گل اندام را کتک زدند. شهره با خواهرهاش، گل اندام تنها. بزن بزن بود. زنان جمع شدند، دخالت نمی کردند. با هیچکدام خوب نبودند. مردها دخالت کردند. دعوا تمام شده بود. لباس های گل اندام پاره پاره شده بود. سعی کرد خودش را جمع و جور کند. صدای جیغ و داد از خانه رمضان بلندشد: «کمک، کمک...» فیروزه، دختر گل اندام افتاد داخل چاه سر باز... مردها سرچاه، طناب می خواستند. گل اندام شنید. دوید. نیمه تنه عریان. پیراهن از جلو یکسره پاره بود. شلوار از ران به پایین چاک خورده لخت و عور راه افتاد. یکی از زنها، روسری خود را روی شانه او انداخت تا او را بپوشاند. گل اندام او را کنار زد. بدون روسری، پابرهنه، می تاخت. رسید سر چاه، شیرجه زد داخل چاه. دخترش، زیر آب می رفت و بالا می آمد. دست هایش را بالا و کمک می خواست. درحال خفگی بود. گل اندام او را کول گرفت. روی دست بلند کرد. نیم ساعتی طول کشید. طناب آوردند. مردها وارد چاه شدند. گل اندام و دخترش را از چاه بیرون کشیدند. فیروزه نجات پیدا کرد. گل اندام کیود شد. چند بار آب بالا آورد. بیهوش شد. قبل از اینکه به بیمارستان برسد، جان داد. روزمرگ گل اندام، ۸ مارس بود. روز زن!

اسفند ۱۴۰۳



رئیس جمهور مکزیک، کلودیا شینبائوم :
ما خیلی بیشتر از آنچه که فکر می‌کنید می‌دانیم ،
اقتصادتان آن قدر سقوط خواهد کرد که در
نهایت التماس خواهید کرد

ما خیلی بیشتر از آنچه که فکر می‌کنید می‌دانیم/ اقتصادتان آن قدر سقوط خواهد کرد که در نهایت التماس خواهید کرد
 رئیس جمهور مکزیک، **کلودیا شینبائوم**، از طرف باقی جهان خطاب به ترامپ و ماسک نوشت: پس شما رأی آوردید که دیوار بسازید...

خُب، آمریکایی‌های عزیز، حتی اگر جغرافیا را چندان خوب ندانید و «آمریکا» را فقط کشور خودتان بدانید و نه یک قاره، مهم است که بدانید قبل از گذاشتن اولین سنگ‌ها، چه چیزی را در آن سوی دیوار پشت سر می‌گذارید.
 در بیرون از این دیوار، ۷ میلیارد نفر زندگی می‌کنند. اما از آنجا که «انسان‌ها» برای شما چندان معنایی ندارند، پس بیایید آن‌ها را «مصرف‌کننده» بنامیم.
 ۷ میلیارد مصرف‌کننده آماده‌اند تا ظرف کمتر از ۴۲ ساعت، آیفون خود را با یک سامسونگ یا هواوی جایگزین کنند. آن‌ها می‌توانند به‌جای لیوایز، لباس‌های زارا یا ماسیمو دوتی بپوشند.

در کمتر از شش ماه، می‌توانیم خرید خودروهای فورد و شورولت را متوقف کنیم و آن‌ها را با تویوتا، کیا، مزدا، هوندا، هیوندای، ولوو، سوبارو، رنو یا بی‌ام‌و جایگزین کنیم، که از لحاظ فناوری بسیار برتر از خودروهای شما هستند. ما، این ۷ میلیارد نفر، می‌توانیم دیگر اشتراک تلویزیون‌های کابلی آمریکایی را نخریم. شاید دوست نداشته باشیم، اما می‌توانیم تماشای فیلم‌های هالیوودی را کنار بگذاریم و به‌جای آن، تولیدات باکیفیت‌تر و پربارتر سینمایی از آمریکای لاتین یا اروپا را تماشا کنیم.

شاید باورتان نشود، اما ما حتی می‌توانیم دیگر به دیزنی‌لند برویم و به‌جای آن، از پارک Xcaret در کنکون مکزیک، یا مقاصد گردشگری در کانادا، اروپا، آمریکای جنوبی یا شرق دیدن کنیم.

و باور کنید یا نه، حتی در مکزیک هم همبرگرهایی بهتر از مک‌دونالد وجود دارد که از نظر ارزش غذایی هم برترند.

کسی در ایالات متحده هرم دیده است؟

در مصر، مکزیک، پرو، گواتمالا، سودان و بسیاری از کشورهای دیگر، هرم‌هایی با فرهنگ‌هایی شگفت‌انگیز ببینید عجایب جهان باستان و مدرن کجا هستند...

هیچ‌کدامشان در ایالات متحده نیستند!

چه حیف برای ترامپ که نمی‌تواند آن‌ها را بخرد و دوباره بفروشد!

ما می‌دانیم که غیر از نایکی، آدیداس هم هست و می‌توانیم کفش‌های مکزیک‌مانند «Panam» را جایگزین کنیم.

ما خیلی بیشتر از آنچه که فکر می‌کنید می‌دانیم.

مثلاً می‌دانیم که در داخل دیوار نژادپرستانه شما، بیکاری افزایش خواهد یافت و اقتصادتان آن‌قدر سقوط خواهد کرد که در نهایت التماس خواهید کرد تا آن دیوار نحس را خراب کنیم، چرا که وقتی این ۷ میلیارد نفر دیگر محصولات شما را نخرند، فروپاشی اقتصادی شما قطعی خواهد بود.

شکی نیست که شما دیوار می‌خواستید، پس همان دیوار را خواهید داشت.

با احترام، باقی جهان

کلودیا شینبائوم

رئیس‌جمهور مکزیک

سرمایه داری همیشه به فکر ایمان!!! مردم است!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، ترامپ رییس‌جمهور آمریکا کازینودار معروف طی فرمانی دستور داده در کاخ سفید «دفتر ایمان» ایجاد شود. این دفتر موظف به تقویت سازمان‌های مذهبی و مکان‌های عبادت و حفاظت از آزادی‌های مذهبی مردم است و خانم «پائولا وایت» را هم به مسوولیت آنجا گماشته است. دقیقن کاری که در کشور ما و دیگر کشورهای مذهبی چون عربستان می‌شود. سرمایه داری از زمان پیدایش نشان داده است اگر به فکر ایمان مردم است به این دلیل می‌باشد که سرمایه داران بهتر جیب مردم را خالی کنند و به قلدری خود تحت پوشش ایمان ادامه دهند. ترامپ که سخت به فکر ایمان مردم است در اولین گام بهداشت همگانی را که در زمان رییس‌جمهور پیشین اوباما برای همه مردم رایگان کرده بود را قطع کرد تا ایمان مردم کامل شود. در کشور ما هم همزمان دولت از پرداخت بدهی‌اش به تامین اجتماعی ۴۵ میلیون نفره خودداری کرده تا مردم در فقر بیشتری بسر ببرند. ۳ میلیارد دلار از بودجه دارو و غذا را کسر و به ورود خودروهای خارجی به کشور برای آقازاده‌ها و مافیا اختصاص داده تا مردم در بی‌داری و بی‌غذایی سرگردان شوند.

عادی سازی فقر، دزدی، فحشا، گرانی، افزایش رانتخوران و مافیا و انتخاب وزرا از میان این افراد همگی در خدمت سود بیشتر برای یک قشر انگل و صاحب امتیاز می‌باشد. فرق نمی‌کند ایران باشد عربستان باشد و یا آمریکا.

سرمایه داری نئولیبرال که نماینده بی‌شخصیت خود را به جهان معرفی کرده از هر راهی برای کسب سود استفاده می‌کند حتی اگر آن «ایمان مردم» باشد.

تحریریه نشریه پیام سندیکا

اگر کارفرما، کارگر را بیمه نکرده باشد، کارگر چه کند؟

بر اساس مواد ۳۶ و ۳۹ قانون تأمین اجتماعی، کارفرمایان از شروع به کار کارگر در محل کارگاه، موظف به ارسال لیست و پرداخت حق بیمه کارگر هستند. افراد شاغل در کارگاه‌ها که تاکنون کارفرما نسبت به ارسال لیست حق بیمه آنها اقدام نکرده است به دو روش می‌توانند درخواست خود را ثبت کنند. ثبت درخواست بازرسی از کارگاه :

- ۱- در سامانه خدمات غیرحضورى یا در اپلیکیشن تأمین من
- ۲- تماس با مرکز ارتباطات مردمی سازمان به شماره ۱۴۲۰

ماده ۳۶ تأمین اجتماعی:

کارفرما مسئول پرداخت حق بیمه سهم خود و بیمه شده به سازمان است و مکلف است موقع پرداخت مزد یا حقوق و مزایا سهم بیمه شده را کسر کند و سهم خود را بر آن بیفزاید و جمع این دو مبلغ را به سازمان بپردازد. در صورتی که کارفرما از کسر حق بیمه سهم بیمه شده خودداری کند شخصاً مسئول پرداخت آن خواهد بود.

تأخیر کارفرما در پرداخت حق بیمه یا عدم پرداخت آن موجب رفع مسئولیت و تعهدات سازمان در مقابل بیمه شده نخواهد بود.

ماده ۳۹ تأمین اجتماعی:

کارفرما مکلف است حق بیمه مربوط به هر ماه را حداکثر تا آخرین روز ماه بعد به سازمان بپردازد. همچنین صورت مزد یا حقوق بیمه شدگان را به ترتیبی که در آئین نامه طرز تنظیم و ارسال صورت مزد که به تصویب شورای عالی سازمان خواهد رسید به سازمان تسلیم نماید. سازمان حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ دریافت صورت مزد اسناد و مدارک کارفرما را مورد رسیدگی قرار داده و در صورت مشاهده نقص یا اختلاف یا مغایرت به شرح ماده ۱۰۰ این قانون اقدام و مابه التفاوت را وصول می نماید هرگاه کارفرما از ارائه اسناد و مدارک امتناع کند سازمان مابه التفاوت حق بیمه را رأساً تعیین و مطالبه و وصول خواهد کرد.

بخش آموزش سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

«دیگر چه کنیم؟ ما دست به هر کاری زده‌ایم ولی مسئولان گوش شنوایی ندارند!»

بسیاری از مطالبه‌گران جملاتی شبیه این را در گفتگوهای درون گروهی می‌شنوند. اما کسانی که مطالبه‌گر می‌مانند تا مطالبات جمعی را به ثمر برسانند و کسانی که پس از یک دوره دلسردی، دوباره به این نتیجه می‌رسند که اوضاع بدون فشار مطالبه‌گران ممکن است بدتر شود- و کسانی که جنبش‌های به ثمر رسیده جهان را مطالعه می‌کنند، می‌دانند که مطالبه‌گران با مرور رفتارهای خود می‌بینند که در هر مرحله از فرایند تغییر، پتانسیل‌ها و توانایی‌هایی تازه‌ای در خود و گروه خود کشف کرده‌اند و دست به کارهایی زده‌اند که تا پیش از آن خارج از توان خود می‌دیده‌اند.

کسانی که برای شرکت در جلسه‌ها هرگز وقت نداشتند بعدتر خودشان کسانی را قانع می‌کنند که به گفتگوها بپیوندند.

کسانی که معتقد بودند مطالبه‌گری بیهوده است، بعدها به کسانی اعلام کردند که پایمال شدن امروز حق ما به دلیل چندین دهه خلا و انفعال فعالیت‌های صنفی و مدنی است.

کسانی که یک دورهمی سرودخوانی همکاران مطالبه‌گر را مسخره می‌کردند بعدتر، نویسنده سرودها و شعارهایی خلاقانه می‌شوند و به دیگران می‌گویند که اگر پیش‌تر هماهنگ بودیم و به اعتماد یکدیگر سرمایه‌گذاری بیشتری کرده بودیم، در اقدام تعلل نمی‌کردیم.

کسانی که معتقد بودند حقوق جمعی به دلیل پیشرفت زمان خود به خود پیشرفت می‌کند، با از دست رفتن دستاوردها دیدند که اگر از حقوق محافظت نشود به سادگی به بهانه بحران ممکن است از دست برود و دانه‌هایی از آگاهی کاشتند که حتماً اگر امروز به بار ننشیند در آینده ثمر خواهد داد.

کنشگران مدنی و صنفی پیش از هرچیز به مسئولیت مدنی برای بدیهی‌ساختن حق سازمان‌یابی آگاه می‌شوند و از این نقطه به بعد، فهرست امکانات بی‌پایان و خلاق انسانی را به انبوه کارهای کوچکی که دهه‌هاست بر زمین مانده اختصاص می‌دهند.

بخش آموزش سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

تعهد انقلابی!

در جاده‌ی مبارزه بسیارند که تعهد را جدی نمی‌گیرند. اصول اخلاق اجتماعی و موازین تفکر انقلابی را به خاطر فلان کین یا هوس یا حرص مقام یا حسد، و دیگر ذهنیات، زیر پا می‌گذارند و تو اگر خواهی تا این حد، نزول نیایی، باید دندان بر جگر بگذاری و از معامله‌ی به مثل و مقابله‌ی همانند پرهیز کنی و در چارچوب اصولیت خود محبوس بمانی: سخت است، آری، بسیار سخت است.

لحظاتی است که از درون نعره برمی‌خیزد ولی باید خاموش بود. لحظاتی است که شعله‌ی خشم، شما را می‌سوزاند ولی باید خونسرد ماند. لحظاتی است که بی‌عدالتی فاحش است و پاسخی جز چند دشنام گزنده ندارد، ولی باید منطقی سخن گفت. باید دایما انسان بود و انسان بودن به سخن ماکسیم گورکی، وظیفه‌ای است بزرگ.

بارها در درون بر خود گریستم، می‌دیدم که اگر وفای به عهد نبود، اگر عشق انسان ماندن و انسانی رفتار کردن نبود و اندیشه و گفتار و کردار را هم طراز ساختن نبود، من در میان این آدمیان خودپسند چه کاری داشتم.

کتاب از دیدار خویشتن نوشته احسان طبری بخش آموزش سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

از کل جهان به غیر جان، هیچم نیست

جانم به فدای آن که، آزاده بزیست

آزادگی‌ی خویش به دنیا مفروش،

کین زندگی دو روزه را، ارزش نیست

محمدحسین خوان یغما کارگر فلزکار

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران معتقد است:

سرمایه داری هراس عمیقی از سازمان یافتگی جنبش کارگری و تاثیرهای آن بر جنبش عمومی آزادیخواهی دارد و از این رو در سال های اخیر همه تلاش های خود را به کار بسته است تا از نزدیکی، هماهنگی و مبارزه مشترک زحمتکشان در کنار دیگر سازمان های اجتماعی جلوگیری کند. خواسته های زحمتکشان جدا از خواسته های پرستاران، خبرنگاران، آموزگاران، هنرمندان، نویسندگان، دانشجویان و زنان و حتا دانشمندان مردمی نیست. ما خواهان بهبودی وضعیت معیشت مردم ایران، رفع فقر و بیکاری و آزادی های انسانی هستیم. برای دستمزدی که با ۸ ساعت کار بتوان یک خانواده ۴ نفره را اداره کرد، از اصلی ترین تلاش های سندیکاهای کارگری است. فقط با اتحاد هماهنگ سندیکاهای کارگری می توان دستمزدها را افزایش منطقی داد و قدرت خرید خانواده های کارگری را بیشتر کرد. سندیکاهای کارگری برای تصویب قانونی که کارفرمایان را به دلیل عقب انداختن حقوق چند ماهه کارگران، مجازات و جریمه کند، می کوشند. سندیکاهای کارگری ضد فساد هستند.

سندیکاهای کارگری برای آموزش و پرورش رایگان، بهداشت رایگان، مسکن رایگان، ورزش رایگان و همگانی، طبق قانون اساسی می کوشند.

سندیکاهای کارگری برای حذف سانسور، آزادی بیان، برابری زنان و مردان، نه به کار کودک، کودک همسری، حذف اعدام و شفافیت در همه امور اجتماعی از دولت تا همه ارکان جامعه تلاش می کنند.

سندیکاهای کارگری خواهان محیط زیستی عاری از آلودگی هستند. نه به جنگ شعار همه زحمتکشان جهان است. در جنگ فرزندان کارگران دو کشور کشته می شوند و خانواده های کارگری در اندوه باقی می مانند و جنگ طلبان از این جنگ سودهای افسانه ای می برند.



بردبار و امیدوار باشیم.

حق را یاری کنیم،

اگرچه در گذارش

استخوانی از ما بشکند.

م.ا. به آذین

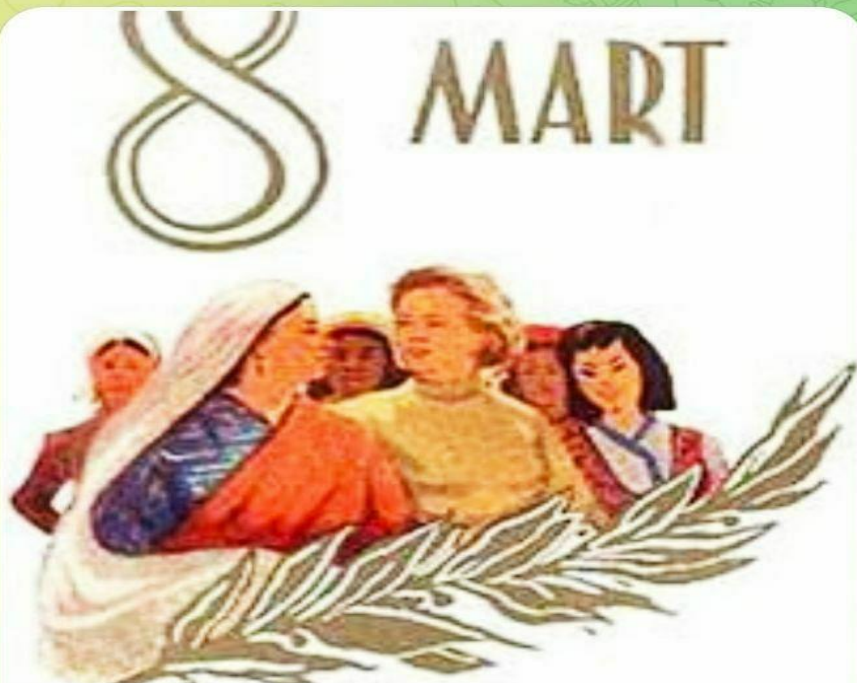
کارها نیکو شود گر نیک خواهان هم زمان

دست هاشان متحد از آستین آید به در

ورنه تک تک بس چه بسیارند خوبان در جهان

نام شان افسانه گردد، کارها شان بی ثمر

محمدحسین خوان یغما کارگر فلزکار



می آیند
 از پای دستگاه
 از کشتزار
 از رختشویخانه
 با شال سرخ
 برگیسوان بافته شان
 اینان صدای صدها هزارانند
 زنانند
 برگزیدگانند
 برای ساختن
 و حکم راندن...

«ولادیمیر مایاکوفسکی»